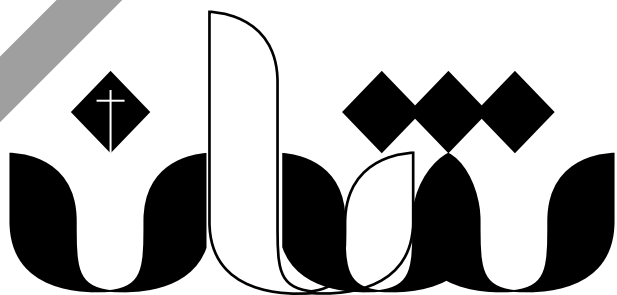


شماره ۹۵، پاییز ۲۰۲۲
مجله خدمتگزاران انجیل

شبان

Shaban Magazine

نقدی بر ترجمه مبانی مسیحیت ژان کالون
نشانه‌های بخشش از تئ استیوارت
خدمت مسیح‌محور از آجیت فرناندو



Shaban  Magazine



انستشارات جسمام
جهان ادبيات مسيحي

شماره ۹۵ - پاییز ۲۰۲۲
مجله خدمتگزاران انجیل

شبان
مجله خدمتگزاران انجیل
شماره ۹۵ - پاییز ۲۰۲۲

باور ما

هدف مجله شبان این است که با فراهم آوردن منابع لازم الهیاتی و کاربردی، کلیساها، مبشرین و شبانان کوشا در امر گسترش انجیل در میان فارسی‌زبانان سراسر دنیا را تجهیز کند.

روای ما

روای مجله شبان این است که راهبران قوم خدا، مردانی مجهز به کلام خدا و اصول شبانی باشند و در این راه، می‌کوشد تا با تغذیه نیازهای روحانی خدمتگزاران انجیل، به آنان کمک کند تا به راهبرانی بالغ برای ملکوت خدا و گسترش انجیل تبدیل شوند.

تقدیم

این شماره از شبان را به پاس یک عمر خدمت در بین فارسی‌زبانان و ارمنی‌زبانان، به مرد غیور کلیسای ایران، کشیش سرگه شاوردیان تقدیم می‌کنیم.

دست اندر کاران

بنیانگذار: کشیش تت استیوارت
طراحی و صفحه‌آرایی: نینت شاهوردیان
نویسندگان این شماره: تت استیوارت، آجیت فرناندو، جاش مک‌داول، دان استیوارت، هرمان باوینک، ریچارد پرت، گروه کانون شادی یوحنا

راه‌های تماس با شبان:

www.shabanmag.com

لطفا هدایای مالی خود را در وجه جود پراجکت به آدرس زیر ارسال کنید:

The Jude Project
P O Box 532
Ashburn, VA 20146

۱	سخن اول
۳	نشانه‌های بخشش / تت استیوارت
۹	مورمون‌ها / جاش مک داوول و دان استیوارت
۱۹	خدمت مسیح محور: قدرت یافته از روح / آجیت فرناندو
۴۷	تثلیث الاهی: بخش چهارم / هرمان باوینک
۵۱	نقد کتاب: متون برگزیده از کتاب مبادی دین مسیحیت
۵۹	درسی از یوشع برای کودکان / گروه نویسندگان کانون شادی کلیسای یوحنا

حرف اول

خوشحالیم که می‌توانیم با نود و پنجمین شمارهٔ شبان همراه شما خوانندگان و همراهان همیشگی باشیم. مثل همیشه، از اینکه شبان را به دیگر خدمتگزاران انجیل معرفی می‌کنید، از شما سپاسگزاریم.

مطالب این شماره با نشانه‌های بخشش از تئ استیوارت آغاز می‌شود. سپس در خصوصیات بدعت‌ها به قلم جاش مک‌داول و دان استیوارت به بررسی بخش دوم از بدعت مورمون‌ها می‌پردازیم. بخش دوم از کتاب «خدمت عیسی محور» به قلم آجیت فرناندو در این شماره گنجانده شده است. در ادامهٔ بررسی آموزهٔ تثلیث به

قلم الاهدان بزرگ هلندی، هرمان باوینک، می‌توانید خوانندهٔ بخش چهارم این مجموعه مقالات باشید. سپس نقدی بر ترجمهٔ کتاب مبانی مسیحیت ژان کالون خواهیم داشت. و بعد این شماره را با درس دیگری از مجموعه دروس کانون شادی برگرفته از کتاب یوشع به پایان خواهیم برد.

پیش از آنکه به سراغ مطالب این شماره بروید، می‌خواهیم یک بار دیگر بخش فارسی وبسایت سازمان هزارهٔ سوم به نشانی farsi.thirdmill.org را به شما معرفی کنیم. در حال حاضر می‌توانید به مجموع ۷۰ درس در قالب ۱۷ عنوان روی این وبسایت دسترسی داشته باشید که شامل بخش‌های مختلف الاهیات عهد عتیق و عهد جدید هستند. این دروس با دقت بالا ترجمه و ویرایش شده‌اند تا در عین غنای مطلب، با فارسی روان و صحیح زمینهٔ مطالعه‌ای لذت‌بخش و پر برکت را برای خوانندگان فراهم کند.

لطفا نظرات و سوالات خود را از طریق وبسایت شبان با ما در میان بگذارید.

نشانه‌های بخشش

تت استیوارت

«خوشابحال رحم‌کنندگان، زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد» (متی ۵: ۷).

در بخشش قدرتی نهفته است؛ بدون قدرت الهی نمی‌توانیم آنانی که قلب ما را با خشونت شکسته‌اند و حق و حقوق ما را پایمال کرده‌اند ببخشیم. منبع قدرت ما برای بخشایش، سکونت مسیح در ماست که ما را دعوت می‌کند تا آنانی که ما را زخمی کرده‌اند، ببخشیم و قدرت این کار را نیز به واسطه روح القدس عطا می‌فرماید. قابلیت بخشش در برقراری مجدد روابط و دل‌های شفا یافته

متجلی می‌شود و آنانی که می‌بخشند، ثمره آرامش و شادی را تجربه خواهند کرد. نبخشیدن ایجاد تلخی می‌کند و هنگامی که از این تلخی آزاد می‌شویم، احساس آزادی و شادی بسیار می‌کنیم.

تاکنون در این مجموعه از مقالات، دیدیم که بخشش چه نیست و اینکه اگر نبخشیم، چه برکاتی را از دست می‌دهیم. در این فصل، می‌خواهم خصوصیات بخشش واقعی کتاب مقدسی را از قول آر. تی. کندال شرح دهم.

۱- نشانه واقعی بخشش کتاب مقدسی، روبرو شدن کامل با این حقیقت تلخ است که دیگران با ما چه کرده‌اند. بخشش واقعی کتاب مقدسی از زمانی آغاز می‌شود که به طور کامل با آنچه که با ما کرده‌اند روبرو شویم و درد آن را احساس کنیم. تا زمانی که انکار کنیم که واقعا چه رخ داده، یا طرف مقابل را تبرئه کنیم، به هسته مرکزی موضوع نخواهیم رسید. به همان شکل که شخص گناهکاری که به عمق تباهی خود پی نمی‌برد و در نتیجه برای طلب بخشش نزد مسیح نمی‌آید، شخصی نیز که نمی‌خواهد بپذیرد تا چه حد احساساتش جریحه‌دار شده، نزد مسیح نمی‌آید تا قدرت بخشیدن دیگران را از او دریافت کند. بخشش واقعی دردناک است چون وقتی پذیرفتیم که چقدر زخم خورده‌ایم، بر آن می‌شویم تا آرزوی خود را برای انتقام به مسیح واگذار کنیم، با علم کامل به اینکه زخمی‌کننده ما ممکن است مورد برکت واقع شود و هیچگاه متحمل عواقب خطایی که در حق ما انجام داده است، نشود. اگر چنین کنیم، در رنج‌های مسیح شریک می‌شویم و نشان می‌دهیم که محبت و رحمت مسیح تا چه میزان قلب ما را تسخیر کرده، و بدینسان، مهربانی او را در نگرش و رفتارمان منعکس می‌کنیم.

۲- نشانه واقعی بخشش کتاب مقدسی این است که تصمیم بگیریم هیچ خاطره‌ای از خطا نگه نداریم. پولس رسول در بخش پر شکوهی که در مورد محبت نوشته، می‌گوید «محبت سوءظن ندارد» (یعنی خطا را به خاطر نمی‌سپارد) (اول قرنیتیان

۱۳:۵). چرا ما خطای دیگران را به خاطر می‌سپاریم؟ شاید علت این باشد که بتوانیم از آن علیه دیگران به نفع خود استفاده کنیم. می‌خواهیم «واقعیت ماجرا» را به دیگران ثابت کنیم و از آن در درگیری‌های آتی به عنوان اسلحه استفاده کنیم، و از گذشته بهره بگیریم تا به خطاکار درسی بیاموزیم که خطاهای خود را تصدیق کند و از آنها دست بکشد. حتی شاید لذت ببریم از اینکه زخم‌های گذشته را یادآوری کنیم تا قلب آنانی را که به ما بدی کرده‌اند، به درد آوریم. هر چه باشد، آنها دل ما را جریحه‌دار کرده‌اند. آیا حق نداریم تلافی کنیم؟ اما همه این واکنش‌ها گناه‌آلود است و در پرتو محبت مسیح قابل توجیه نیست. بخشش کتاب مقدسی این است که تصمیم بگیریم همچون مسیح محبت کنیم. بخشش کتاب مقدسی به این معنا نیست که مطابق احساسات مان عمل کنیم، بلکه بر اساس اطاعت از مسیح. وقتی به خاطر اطاعت از مسیح، خطاکاری را می‌بخشیم، خدا وفادارانه به ما شادی و آرامش می‌بخشد، چون با انتخاب راه بخشش، راه او را انتخاب کرده‌ایم و اجازه داده‌ایم که قدرت قیامت او به واسطه ما متجلی شود.

۳- نشانه واقعی بخشش کتاب مقدسی این است که مصمم شویم انتقام نگیریم. پولس می‌نویسد: «هیچکس را به عوض بدی، بدی مرسانید» (رومیان ۱۲: ۱۷)، و «ای محبوبان» انتقام خود را مکشید، بلکه خشم را مهلت دهید، زیرا مکتوب است «خداوند می‌گوید که انتقام از آن من است؛ من جزا خواهم داد» (رومیان ۱۲: ۱۹). در وجود ما احساسی نهفته است که ما را بر آن می‌دارد تا مجازات آنانی را که به ما خطا کرده‌اند ببینیم. از این بدتر این است که به مسئله حالت روحانی هم می‌دهیم و می‌گوییم که قصد ما فقط این است که مایلیم عدالت انجام شود. اما اگر خدا را می‌شناختیم، می‌دانستیم که فرموده انتقام را به عمل خواهد آورد. وقتی بر تحقق انتقام اصرار می‌ورزیم، در واقع حقی را که فقط از آن خداست، غصب می‌کنیم و باعث رنجش او می‌شویم. وقتی می‌ترسیم که مبادا آزار دهندگان ما بدون مجازات بمانند، به این فرموده روشن خدا شک می‌کنیم که

گفته است انتقام از آن اوست (مزمور ۳۷). به طور خلاصه، بخشش کتاب مقدسی یعنی این میل طبیعی مان را که می‌خواهد مطمئن شود آزار دهندگان ما به کیفر خود می‌رسند، کنار بگذاریم. باید بگذاریم محبت عظیم خدا جایگزین انتقام شود. برای همین است که یوحنا ی رسول می‌نویسد: «در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می‌راند؛ زیرا ترس از مکافات سرچشمه می‌گیرد و کسی که می‌ترسد، در محبت به کمال نرسیده است» (اول یوحنا ۴: ۱۸ هزاره نو). ما در مسیح دیگر نمی‌ترسیم که مجازات و مکافات داده شود؛ می‌دانیم که مکافات قبلا روی صلیب داده شده است و آنانی که در مسیح نیستند، در طول سفر زندگی یا در روز داوری، به مکافات خواهند رسید (رومیان ۲: ۱-۶).

۴- نشانه بخشش واقعی کتاب مقدسی این است که شخص به غیبت در مورد آزاردهنده خود نمی‌پردازد. «هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید، بلکه از آنچه به حسب حاجت یا برای بنا نیکو باشد تا شنوندگان را فیض رساند» (افسیسیان ۴: ۲۶). این وسوسه وجود دارد که بر علیه خطاکننده خود غیبت و از این راه به شخصیت و اعتبار او لطمه وارد کنیم، و به این شیوه از او انتقام بکشیم. بخشش واقعی در صدد لطمه زدن به شخصیت و شهرت دیگران نیست. من معتقدم که وقتی خدا تمام گناهان مرا بخشید و آنها را زیر خون مسیح پوشاند، آنها را بالا نگرفت تا تمام دنیا ببیند. بنابراین، اگر بخواهم مانند خدا ببخشم، نباید خطاهایی را که دیگران در حق من کرده‌اند مورد اشاره قرار دهم، بلکه باید در سکوت آنها را ببخشم. زیرا وقتی درباره خطاهای دیگران سخن می‌گویم، نشان می‌دهم که واقعا پی نبرده‌ام خدا چگونه مرا بخشیده است و هنوز در مقام داور دیگران عمل می‌کنم. فقط تجسم کنید چه تحولی رخ خواهد داد اگر در روابطتان غیبت را کنار بگذارید و به بخشش کتاب مقدسی واقعا عمل کنید.

۵- نشانه بخشش واقعی کتاب مقدسی این است که همانند خدا نشان دهیم. «خوشا

به حال رحم‌کنندگان، زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد» (متی ۵: ۷). دعوت خدا از تمام ایمانداران این است که هر چه بیشتر شبیه خدا شوند. «از خدا سرمشق بگیرید» (افسیان ۵: ۱ هزاره نو). بدیهی است که خدا خصوصیتی دارد که ما نمی‌توانیم داشته باشیم. ما نمی‌توانیم در همه جا حاضر باشیم! اما خصوصیات و صفات بسیاری در خدا هست که مسیحیان امر شده‌اند از آنها برخوردار باشند. ما باید مهربان و وفادار و رحیم باشیم. رحمت یعنی اینکه مکافات را که سزاوارش هستیم دریافت نکنیم، زیرا خدا مسئله عدالت را بر روی صلیب حل کرد. رحیم بودن یعنی اینکه با دیگران آنگونه رفتار نکنیم که سزاوارش هستند، بلکه رفتاری بکنیم که شایسته‌اش نیستند، یعنی بخشش. وقتی رحمت نشان می‌دهیم، مانند مسیح می‌شویم و بر ما نیز همانگونه رحمت خواهد شد که به دیگران رحمت کرده‌ایم.

۶- نشانه بخشش واقعی کتاب مقدسی، تغییر قلبی است. عیسی این واقعیت را بسیار عمیق بیان کرد، آنگاه که فرمود: «زبان از زیادتى دل سخن می‌گوید» (متی ۱۲: ۳۴). سلیمان پادشاه، این نکته را اینگونه بیان کرد: «دل خود را به حفظ تمام نگاه دار، زیرا که مخرج‌های حیات از آن است» (امثال ۴: ۲۳). اگر دیگران را به طور کامل نبخشیده باشیم، خشم در قلب‌مان تخمیر می‌شود و روحیه تلخی را پدید می‌آورد که دیر یا زود، در رفتار و گفتار ما منعکس می‌شود. تلخی، خود را در قالب علائم مختلفی نشان می‌دهد، مثل بالا رفتن فشار خون، بی‌خوابی، افسردگی و بدبینی به زندگی. رهایی از تلخی به دل انسان مربوط می‌شود و باید همچون گناه به آن اعتراف کرد و با فیض خدا آن را ریشه‌کن ساخت. تلخی ما ممکن است در این انتظار ریشه داشته باشد که در خطاکننده خود نشانی از پشیمانی ببینیم. اگر در انتظار این هستید که دیگران پی ببرند چه خطای بزرگی علیه شما مرتکب شده‌اند، موضوع را کاملاً فراموش کنید! اکثر کسانی که قلب‌تان را شکسته‌اند یا به شما اهانت کرده‌اند، اصلاً متوجه موضوع نیستند.

بخشش واقعی منتظر این نمی‌ماند که دیگران بفهمند یا اینکه بیایند و تقاضای بخشش کنند؛ بخشش واقعی این است که مانند مسیح واکنش نشان دهیم و تصمیم بگیریم به خاطر اطاعت از فرمان خدا، آنان را ببخشیم.

مورمون‌ها

جاش مک داول و دان استیوارت

تعلیم مورمون‌ها دربارهٔ خدا

«ما به خدا، پدر ازلی و ابدی، و به پسر او عیسی‌ای مسیح و به روح القدس ایمان داریم» (جوزف اسمیت، «مرواید گرانبها»، قانون ایمان، ص. ۵۹).
جملهٔ فوق این برداشت را در شنونده یا خواننده ایجاد می‌کند که مورمون‌ها به آموزهٔ کتاب مقدسی تثلیث اقدس ایمان دارند، که مطابق آن، یک خدا وجود دارد که خودش را در سه اقنوم یا شخص پدر، پسر، و روح القدس آشکار می‌سازد و این سه شخص، یک خدا هستند. البته، هیچ حقیقتی غیر از این تعلیم تثلیث وجود

ندارد.

اما تعلیم مورمون‌ها دربارهٔ خدا با تعلیم کتاب‌مقدس تناقض دارد. مورمون‌ها به چندین خدا اعتقاد دارند و تعلیم می‌دهند که خدا خود زمانی یک انسان بود. به علاوه، مردان مورمون امکان دست‌یابی به مقام خدایی یا الوهیت را دارند. «جوزف اسمیت» این موضوع را در «گفتگوی شاه فولت» (*The King Follett Discourse*) روشن ساخت:

حال خدا را مورد بررسی قرار خواهیم داد، زیرا می‌خواهم همهٔ شما او را بشناسید و با او آشنا شوید... به ابتدا برخواهم گشت، یعنی قبل از آن که جهان به وجود آید، تا به شما نشان دهم خدا چگونه وجودی است.

خدا زمانی همچون ما بود، او یک انسان متعال است که در آسمان‌های رفیع بر تخت می‌نشیند... سخن من این است که اگر قرار بود امروز او را ببینید، او را به صورت انسانی می‌دیدید که از همه لحاظ شبیه خود شما بود؛ از نظر شخص بودن، داشتن صورت و به همان هیئت یک انسان.

به شما خواهم گفت که خدا چگونه خدا شد. همیشه تصور و فرض ما بر آن بوده که خدا از ازل خدا بوده است. لیکن من این طرز فکر را رد می‌کنم و پرده را از مقابل چشمان شما بر می‌دارم تا بتوانید حقیقت را ببینید.

اصل نخست انجیل این است که از شناخت شخصیت خدا یقین حاصل نمایید و بدانید که همهٔ ما که بر روی زمین زندگی می‌کنیم، می‌توانیم همان طور که یک انسان با انسانی دیگر سخن می‌گویید، با او صحبت کنیم. بله، خدا که پدر ما است، زمانی مانند عیسای مسیح، خود بر زمین سکونت داشت.

پس در اینجا به حیات جاودانی می‌رسیم؛ یعنی تا اینکه تنها خدای واقعی و حکیم را بشناسیم. و شما باید بیاموزید که چگونه خودتان خدا شوید و نیز پادشاه و کاهن خدا؛ درست همان طور که همهٔ خدایان قبل از شما بودند (جوزف اسمیت، «گفتگوی شاه فولت»، صص. ۸-۱۰).

سایر گفته‌های اسمیت و یانگ، مفهوم خدا را از دیدگاه مورمون‌ها بیشتر آشکار می‌سازد:

در ابتدا، رییس خدایان، شورای خدایان را فرا خواند و آنها گرد آمدند و نقشه‌ای مهیا کردند و انسان را وارد جهان کردند و جهان را از جمعیت پر کردند (جوزف اسمیت، *Journal of Discourses*، ۶: ۵).

«پدر» جسمی از گوشت و استخوان دارد که همچون بدن انسان قابل لمس است (جوزف اسمیت، «تعالیم و عهدنامه‌ها»، ۱۳۰: ۲۲).

«لورنتزو اسنو» (Lorenzo Snow) سخنان «جوزف اسمیت» را در مورد دیدگاه مورمون‌ها راجع به خدا چنین تکرار می‌کند:

خدا همان بود که انسان هست.

انسان می‌تواند همان شود که خدا هست.

(جوزف اسمیت، «گفتگوی شاه فولت»، ص. ۹، یادداشت از لورنتزو اسمیت).

«میلتون هانت» (Milton R. Hunter)، نویسنده مورمون، به این نتیجه آشکار رسید:

انبیای مورمون همواره این حقیقت بسیار والا را تعلیم داده‌اند که خدای پدر ازلی و ابدی، زمانی یک انسان فانی بود که از یک آموزشگاه زمینی مشابه آنچه ما از آن عبور می‌کنیم، گذر کرد. او خدا شد - یک وجود متعال (میلتون ر. هانت، *The Gospel Through the Ages* یا «انجیل در طی قرون»، ص. ۱۰۴).

تعلیم اسمیت درباره ماهیت خدا نه تنها با کتاب مقدس، بلکه با کتاب مورمون هم

تناقض دارد!

و «زیزرام» (Zeezrom) به او گفت: «تو می‌گویی که یک خدای واقعی و زنده وجود دارد؟» و «امولک» (Amulek) گفت: «بله، یک خدای واقعی و زنده وجود دارد.» سپس «زیزرام» گفت: «آیا بیشتر از یک خدا وجود دارد؟» و او جواب داد: «خیر!» (آلما ۱۱: ۲۶-۲۹).

ضمناً مراجعه شود به آلما ۱۱: ۲۱-۲۲؛ دوم نفی ۱۱: ۷؛ دوم نفی ۳۱: ۲۱؛ سوم نفی ۱۱: ۲۷ و ۳۶؛ موسیا ۱۶: ۱۵.

کتاب مقدس مکرراً تأکید می‌کند که تنها یک خدای واقعی وجود دارد. اشعیا ۴۳: ۱۰ مؤکداً اعلام می‌دارد: «شما و بنده من که او را برگزیده‌ام، شهود من می‌باشید تا دانسته، به من ایمان آورید و بفهمید که من او هستم و پیش از من خدایی مصور نشده و بعد از من نخواهد شد.»

در عهد جدید این اطمینان را می‌یابیم که گرچه انسان‌ها، خدایان و بت‌های دروغین را که می‌پرستند، لیکن آنها بی‌ارزش هستند. «می‌دانیم که بت در جهان چیزی نیست و اینکه خدایی دیگر جز یکی نیست» (اول قرنتیان ۸: ۴).

عیسای مسیح

کلیسای مورمون تعلیم می‌دهد که عیسای مسیح همچون همه ما روحی بود که از قبل وجود داشت. اگرچه همه ما در واقع خواهران و برادران عیسی هستیم، لیکن او چون نخست‌زاده فرزندان روحانی خدا است که از بقیه ما جدا شده است. «و اکنون، آمین آمین به شما می‌گویم که من در ابتدا با پدر بودم و نخست‌زاده هستم، و تمامی کسانی که به توسط من مولود می‌شوند، از همان جلال برخوردار می‌شوند و کلیسای نخست‌زادگان هستند. شما نیز در ابتدا با «پدر» بودید» («تعالیم و عهدنامه‌ها» ۹۳: ۲۱-۲۳).

در مورمونیسیم، عیسی پسر یگانه خدا نیست:

باید انسانیت او را به طوری واقعی و معمولی بشناسیم - هر آنچه برای او اتفاق افتاد، ممکن است برای هر یک از ما هم اتفاق بیفتد. الوهیت مسیح و الوهیت تمام روح‌های شریف و موقر دیگر را، تا به آنجایی که تحت تاثیر بارقه‌ای از الوهیت قرار گرفته باشند، می‌توان به عنوان تجلیات الوهیت شناخت (شیخ ب. ه. رابرتس *Elder B. H. Roberts*، نقل قول از *Sir Oliver Lodge* در «گفتگوی شاه فولت»، اثر جوزف اسمیت، یادداشت ص. ۱۱).

انسان

بنا بر اعتقاد مورمونیسیم، انسان روحی است که از قبل می‌زیست و در زمان تولد، جسم خود را نیز به این عالم آورد.

انسان روحی است که با خیمه‌ای پوشانده شده است. بخش هوشمند او هرگز خلق یا ساخته نشده است، بلکه از ازل وجود داشته است - انسان از ازل نیز با خدا بود (جوزف فیلیدینگ اسمیت، *“Progress of Man”*، یا «پیشرفت انسان»). «جان ویتسو» (*John Widtsoe*) در سخنان خود راجع به انسان گفت: «او پیش از آن که به زمین بیاید وجود داشته است: او “در ابتدا” با خدا بود. سرنوشت انسان، الهی شدن است. انسان موجودی ابدی است. او همچنین “از ازل تا ابد” است» (*“Varieties of American Religion”* یا «گونه‌گونی دین در آمریکا»، ص. ۱۳۲).

بر خلاف آنچه الاهیات مورمون می‌گویند، عیسای مسیح پسر یگانه خدا است. یوحنا ۱: ۱۴ اعلام می‌کند که او «جسم گردید و در میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی، و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر». عیسای

مسیح، زمانی که بر روی زمین بود، تجلی قدرت خدا بود و هیچ انسان دیگری نمی‌تواند به این مقام نایل گردد: «او صورت خدای نادیده است، نخست‌زادهٔ تمامی آفریدگان» (کولسیان ۱: ۱۵). اینکه فکر کنیم ما هم می‌توانیم روزی مانند عیسیای مسیح و خدای پدر، به مقام خدایی برسیم، کفرآمیز است. کتاب مقدس به درستی کسانی را که فکری غیر از این داشته باشند، محکوم می‌کند:

ادعای حکمت می‌کردند و احمق گردیدند. و جلال خدای غیر فانی را به شبیه صورت انسان فانی و طیور و بهایم و حشرات تبدیل نمودند. لهذا خدا نیز ایشان را در شهوات دل خودشان، به ناپاکی تسلیم فرمود، تا در میان خود، بدن‌های خویش را خوار سازند. که ایشان حق خدا را به دروغ مبدل کردند و عبادت و خدمت نمودند مخلوق را، به عوض خالقی که تا ابدآباد متبارک است؛ آمین (رومیان ۱: ۲۲-۲۵).

نجات

مواد ۲ و ۳ از «قانون ایمان مورمون»، تعالیم آنها را دربارهٔ نجات بیان می‌کند:

مادهٔ ۲: «ما ایمان داریم که انسان‌ها به خاطر گناهان خودشان تنبیه خواهند شد، نه به خاطر خطای آدم.»

شمارهٔ ۳: «ما ایمان داریم که همهٔ بشریت توسط کفارهٔ مسیح و به وسیلهٔ اطاعت از شرایع و فرایض انجیل، می‌تواند نجات یابد.»

«جیمز تلمج» در کتاب خود تحت عنوان *Articles of Faith* (قانون ایمان) معنای این گفته را چنین شرح می‌دهد:

کفاره، تمام جهان را در بر می‌گیرد و در مورد تمام فرزندان آدم به طور یکسان کاربرد دارد. حتی بی‌ایمانان، بی‌خدایان و کودکی که پیش از رسیدن به سال‌های

تشخیص می‌میرد، همگی به خاطر آن که منجی‌شان خود را قربانی کرد، از همه عواقب شخصی سقوط خلاص خواهند شد... لیکن از میان نجات یافتگان، همگی به مراتب بالاتر جلال و شکوه صعود نخواهند کرد. تا زمانی که عدالت در مورد شریعت زیر پا گذاشته شده به انجام نرسد، به هیچ شخصی اجازه ورود به هیچ درجه‌ای از جلال داده نخواهد شد، خلاصه اینکه تا آن زمان، هیچ روحی نمی‌تواند نجات یابد... در ملکوت خدا، سطوح درجه‌بندی شده بسیاری وجود دارند که هر یک برای کسی است که سزاوار آن باشد (جیمز تلمج «قانون ایمان»، صص. ۸۵ و ۹۱).

بنابراین، در مورمون‌سیسم، نجاتی عمومی برای کل بشریت، و نجاتی انفرادی برای هر یک از اشخاص وجود دارد. از نظر مورمون‌ها، چیزی به صورت جهنم یا تنبیه جاودانی وجود ندارد. سرانجام همه به یکی از سه سطح جلال راه خواهند یافت: «ملکوت سماوی» که برای اعضای کهنات ملک‌یصدق مقرر شده است تا آنها خدایان شوند؛ «ملکوت زمینی» برای کسانی که نتوانسته‌اند صلاحیت صعود را احراز نمایند؛ و سرانجام «ملکوت نهایی» برای آنان که هیچ شهادتی از ایمان به مسیح ندارند.

می‌خواهم به آنان و به همه مردان بزرگ زمین بگویم که مقدسان ایام آخر نجات‌دهنده آنان خواهند بود... به خدا ایمان داشته باشید، به عیسی ایمان داشته باشید و به جوزف، نبی او، و به بریگهام جانشین او ایمان داشته باشید. این را نیز اضافه می‌کنم که اگر شما در دل‌های‌تان ایمان داشته باشید و با زبان خود اعتراف کنید که عیسی، مسیح است، که جوزف نبی است و بریگهام جانشین اوست، در ملکوت خدا نجات خواهید یافت...

در این دوره، هیچ مرد یا زنی بدون رضایت جوزف اسمیت، هرگز وارد ملکوت سماوی خدا نخواهد شد... هر مرد و زنی باید تایید «جوزف اسمیت جونپور» را

به عنوان گذرنامه ورود به عمارت‌هایی که خدا و مسیح در آنها هستند، به همراه داشته باشد. من بدون رضایت او نمی‌توانم وارد آنجا شوم... او همچون خدا که در آسمان حکومت می‌نماید، به صورت وجودی برتر در حوزه فعالیت و توانایی و دعوت خویش (بریگهام یانگ، *Journal of Discourses* ۶: ۲۲۹ و ۷: ۲۸۹).

طبق کتاب مقدس، نجات عطای رایگان خداوند ما عیسای مسیح است. افسسیان ۲: ۸-۱۰ اعلام می‌دارد: «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، به وسیله ایمان، و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال، تا هیچکس فخر نکند. زیرا که صنعت او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نمایم.»

وقتی مردم از عیسی سوال کردند: «چه کنیم تا اعمال خدا را به جا آورده باشیم؟» (یوحنا ۶: ۲۸)، عیسی پاسخ داد: «عمل خدا این است که به آن کسی که او فرستاد، ایمان بیاورید» (آیه ۲۹). هیچ راه دیگری برای نجات وجود ندارد. اعمال نیک شخص، صرفاً شهادتی هستند بر این واقعیت که او نجات یافته است؛ نه به وسیله اعمال، بلکه به وسیله خون عیسای مسیح. ما با قربانی مسیح روی صلیب که به خاطر گناهان مان بود، نجات خواهیم یافت، نه به واسطه هیچ کار دیگری که خود توان انجامش را داشته باشیم. عبرانیان ۷: ۲۷ می‌گوید که وقتی عیسی خود را برای گناهان انسان فدا کرد، آن عمل «یک بار و برای همیشه» انجام شد.

تغییرات انجام گرفته در «کتاب مورمون»

کتاب مورمون، به روایت جوزف اسمیت جونیور، «صحیح‌ترین کتاب روی زمین» است (جوزف اسمیت جونیور، *History of the Church* یا تاریخ کلیسا، ۴: ۴۶۱). با این وجود، از نسخه ۱۸۳۰ آن تا نسخه‌های امروزی‌اش، ۳۰۰۰ تغییر وارد این صحیح‌ترین کتاب شده است.

و پس از دریافت نوشته نفی‌ها (Nephites) حتی تو جوزف اسمیت جونپور، خادم من نیز توسط رحمت خدا و به وسیله قدرت خدا قادر خواهی بود که به ترجمه کتاب مورمون، پپردازی («تعالیم و عهدنامه‌ها»، بخش ۱، آیه ۲۹). و از طرقي که پیشتر مهیا بود، به او (جوزف اسمیت جونپور) قدرتی از بالا عطا کرد تا «کتاب مورمون» را ترجمه نماید («تعالیم و عهدنامه‌ها»، بخش ۲۰، آیه ۸).

طبق اعتقاد مورمون‌ها، این دو نقل قول از «تعالیم و عهدنامه‌ها» مکاشفه‌هایی هستند که جوزف اسمیت جونپور از خداوند دریافت داشته است و اعتبار واقعی بودن «کتاب مورمون» را تایید می‌کنند. نخستین نقل قول به مکاشفه‌ای در تاریخ ۱ نوامبر ۱۸۳۱ مربوط می‌شود؛ یعنی یک سال پس از انتشار «کتاب مورمون» در اوایل سال ۱۸۳۰.

این مکاشفات ادعا دارند که «کتاب مورمون» به وسیله قدرت خدا ترجمه شده است، و جوزف اسمیت، خادم خدا بوده و توسط او مورد استفاده قرار گرفته تا «کتاب مورمون» را با استفاده از وسایلی که خدا برای این کار در اختیار او گذاشته بود، ترجمه کند؛ و نیز اینکه یک سال پس از انتشار آن، خداوند اعتبار آن را تایید کرده است. با این وجود، مقایسه‌ای بین آخرین نسخه و اولین نسخه آن (نسخه ۱۸۳۰ که تصور می‌رفت و به وسیله قدرت خدا ترجمه شده باشد)، بیش از ۳۰۰۰ تغییر را نشان می‌دهد.

نسخه امروزی	نسخه اصلی (۱۸۳۰)
... موسیای پادشاه عطیه‌ای از جانب خدا داشت که به وسیله آن می‌توانست چنین حکاکی‌هایی را ترجمه کند (ص. ۱۷۶، آیه ۲۸).	... بنیامین پادشاه عطیه‌ای از جانب خدا داشت که به وسیله آن می‌توانست چنین حکاکی‌هایی را ترجمه کند... (ص. ۲۰۰).
... اینک باکره‌ای که می‌بینی، مادر پسر خداست (اول نفی ۱۱: ۱۸).	... اینک باکره‌ای که می‌بینی، مادر خداست (ص. ۲۵).
... که بره خدا، پسر پدر ابدی است... (اول نفی ۱۳: ۴۰)	... که بره خدا، پدر ابدی و منجی عالم است... (ص. ۳۲).

خدمت مسیح محور: قدرت یافته از روح

آجیت فرناندو

اولین کار عیسی در خدمتش که توسط مرقس ثبت شده است نشان می‌دهد او با مردم هم‌ذات‌پنداری می‌کند. دوم نشان می‌دهد او به خاطر کاری که انجام داده توسط روح مسح می‌شود. تجسم و مسح شدن هر دو جوانب اساسی خدمت مسیحی هستند. یکی نشان می‌دهد که چطور باید به مردم تعهد داشته باشیم، در حالیکه دیگری نشان می‌دهد چطور باید قدرت‌مان را از خدا بگیریم. گاهی افرادی که به عنوان «پراز روح» شناخته می‌شوند نسبت به فرهنگ و نیازهای بشری بی‌احساس هستند و در نتیجه خدمات آنها صدمه می‌بیند. اما مشکل

جدی‌تر زمانی است که افراد حکیمانه با مردم هم‌ذات‌پنداری کرده و روش‌های درست را اتخاذ می‌کنند، ولی با وجود این از نظر روحانی قدرتمند نیستند، چون آنها بیشتر بر روش‌های خودشان تکیه می‌کنند تا به قدرت روح.

قدرت برای خدمت عیسی

مرقس می‌گوید بعد از تعمید، عیسی «چون از آب برآمد، در ساعت آسمان را شکافته دید و روح را که مانند کبوتری بر وی نازل می‌شود» (متی ۱: ۱۰). فعلی که «شکافته» (schizō) ترجمه شده یعنی «شکافتن، پاره کردن، مجزا کردن یا جدا کردن». مرقس ممکن است در اینجا به اشعیا ۶۴: ۱ اشاره کرده باشد: «کاش که آسمان‌ها را منشق ساخته، نازل می‌شدی و کوه‌ها از رویت تو متزلزل می‌گشت.» این آیه اشعیا یک درخواست فوری از خدا برای نجات اسرائیل است. اگر مرقس این آیه را در ذهنش داشته پس ممکن است به این موضوع اشاره کرده باشد که خدا در حال عمل برای نجات قوم خود از طریق فرستادن ماشیح است. حالا خدا این ماشیح را با نزول روح‌القدس مسح می‌کند.

گفته شده روح «مانند کبوتری» نازل شد. نمی‌توانیم مطمئن باشیم که مرقس درباره شکل نزول روح فکر می‌کند یا طریقه‌ای که روح نزول کرد. همچنین نمی‌توانیم مطمئن باشیم که مرقس با اشاره به کبوتر قصد بیان چه چیزی را دارد، هرچند امروزه پیشنهادات بسیاری در این مورد مطرح شده است. اما شواهدی وجود دارند که نشان می‌دهند در یهودیت قرن اول کبوتر با روح خدا برابر بوده است.

این اتفاق همچنین اشعیا ۶۱: ۱ را به ما یادآوری می‌کند: «روح خداوند بیهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته‌دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم.» این همان آیه‌ای است که عیسی چند روز بعد، هنگام شروع خدمتش در ناصره آن را نقل قول کرد (لوقا ۴: ۱۸-۱۹). بعد از نقل قول قسمت

بیشتری از این باب، عیسی گفت: «امروز این نوشته در گوش‌های شما تمام شد» (لوقا ۴: ۲۱).

کمی بعد از ثبت واقعهٔ نزول روح، لوقا دقت کرد دو بار به این موضوع اشاره کند که عیسی در روند مسح روح بوده است. او می‌نویسد که درست بعد از تعمید «عیسی پر از روح القدس بوده، از اردن مراجعت کرد و روح او را به بیابان برد» (لوقا ۴: ۱). سپس پس از توضیح دربارهٔ وسوسه، می‌نویسد که «عیسی به قوت روح، به جلیل برگشت و خبر او در تمامی آن نواحی شهرت یافت» (لوقا ۴: ۱۴). متی نیز از بابتی در اشعیا استفاده می‌کند تا رابطه‌ای بین خدمت عیسی و مسح توسط روح ایجاد کند: «روح خود را بر وی [بندهٔ من] خواهم نهاد تا انصاف را بر امت‌ها اشتهاار نماید» (متی ۱۲: ۱۸، از اشعیا ۴۲: ۱ نقل قول می‌کند). و متی گفتهٔ عیسی را ثبت می‌کند، «... من به روح خدا دیوها را اخراج می‌کنم» (متی ۱۲: ۲۸). پس اناجیل به وضوح این مسح توسط روح را به عنوان کلید زندگی و خدمت مسیح معرفی می‌کنند.

تعمید با روح القدس

لوقا این قاعدهٔ پر شدن از روح را، که در قلب خدمت مسیح قرار داشت، به خدمت ما نیز بسط می‌دهد. او می‌نویسد که عیسی می‌گوید قدرت روح یک نیاز ضروری برای خدمت است. در انجیل لوقا، عیسی درست بعد از صدور فرمان بزرگ، می‌گوید: «و اینک، من موعود پدر خود را بر شما می‌فرستم. پس شما در شهر اورشلیم بمانید تا وقتی که به قوت از اعلی آراسته شوید» (لوقا ۲۴: ۴۹). یک اظهار مشابه در اعمال رسولان نشان می‌دهد قدرتی که در اینجا از آن صحبت شده است از روح می‌آید: «و چون با ایشان جمع شد، ایشان را قدغن فرمود که از اورشلیم جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعدهٔ پدر باشید که از من شنیده‌اید. زیرا که یحیی به آب تعمید می‌داد، لیکن شما بعد از اندک ایامی، به روح القدس تعمید خواهید یافت» (اعمال رسولان ۱: ۴-۵). کمی بعد عیسی می‌گوید که آمدن

روح منجر به قدرت برای شهادت خواهد شد: «لیکن چون روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود...» (اعمال رسولان ۱: ۸). متأسفانه در مورد این متون مشاجرات زیادی وجود دارد. آیا تعمید با روح چیزی است که در زمان ایمان آوردن اتفاق می افتد؟ یعنی یک شروع است؟ یا دومین تجربه از پر شدن است که بعد از ایمان آوردن اتفاق می افتد؟ فعل *baptizō* با توجه به متن می تواند هر دو معنی را داشته باشد. یک واژه نامه معروف می گوید، در ادبیات یونانی این کلمه به طور کلی دارای معانی مختلف مفهوم «در آب گذاشتن یا زیر آب رفتن» است؛ و به صورت استعاری می تواند معنای فرو کردن در آب را نیز داشته باشد. *baptizō* می تواند دارای مفهوم تمیز شدن که در شستشو وجود دارد نیز باشد و بنابراین به آنچه که همراه توبه می آید اشاره می کند. بدین ترتیب این کلمه می تواند برای شروعی که به دنبال توبه و پاکی می آید استفاده شود. این کلمه همچنین می تواند به معنای غوطه رو شدن در رودخانه باشد، که مفهوم پر شدن را دارد. اینجا کلمه می تواند برای تجربه پر شدن که بعد از آغاز می آید استفاده شود. فضای کلی متن و همچنین متن خاص مورد مطالعه به ما کمک می کند تا در مورد معنایش تصمیم بگیریم.

در جاهایی که تعمید توسط روح اتفاق می افتد متأسفانه زمینه ما را مطمئن نمی کند که منظور کدام یک از این دو گزینه بوده است. به نظر می رسد باب هایی که از لوقا و اعمال رسولان نگاه کردیم به پر شدنی اشاره می کنند، که بعداً اتفاق افتاد و به این دلیل بود که شاگردان قبلاً توبه کرده و به عیسی ایمان آورده بودند. شکلی که تعمید توصیف شده است این را بیان می کند که تمرکز بر پر شدن است نه بر شروع. لوقا ۲۴: ۴۹ و اعمال رسولان ۱: ۸ از قدرت صحبت می کنند. یحیای تعمید دهنده درباره عیسی می گوید، «او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد» (لوقا ۳: ۱۶). تمام این آیات به این اشاره می کنند که منظور، تجربه پر شدن است. اتفاقاتی که در اعمال رسولان باب ۲ و در روز پنتیکاست رخ می دهند تاییدگر این موضوع هستند.

آیا مواردی که در اعمال رسولان آمده‌اند نمونه‌هایی از یک تجربهٔ دوم است که بعد از ایمان آوردن اتفاق می‌افتد؟ اگر اینطور است، آیا اینها معیاری برای تمام ایمانداران هستند؟ آیا تمام افرادی که با روح تعمید یافته‌اند باید به زبان‌ها صحبت کنند؟ برخی می‌گویند این این چیزها معیار هستند، و برخی دیگر می‌گویند این نمونه‌ها در اعمال رسولان اتفاقات ویژه‌ای در تاریخ نجات بودند، بنابراین نباید معیار در نظر گرفته شوند. امروزه بسیاری از مسیحیان به قدرتی جدید در نتیجهٔ پر شدن پس از ایمان شهادت می‌دهند، و این تجربیات را با تعمید روح‌القدس یکی می‌دانند. با این حال اول قرن‌تین ۱۲: ۱۳ می‌گوید: «زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم.» در اینجا متن نشان می‌دهد که منظور کل کلیسا بوده است و تعمید در وهلهٔ اول قرار دارد، و زمانی اتفاق می‌افتاد که ایمانداران تازه به کلیسا می‌رفتند. وقتی به شواهدی که در بالا آمده‌اند نگاه می‌کنیم، نباید از اختلاف نظرها دربارهٔ این موضوع شگفت‌زده شویم.

نظر شخصی من این است که این موضوع نباید مشکل بزرگی باشد. تعمید چه در وهلهٔ اول اتفاق بیفتد چه بعدا، روشن است که شیوهٔ استفاده از شکل تعمید به پرشدن اشاره می‌کند. برای یک مسیحی پر شدن معیار است. این امر در افسسیان ۵: ۱۸ به ما دستور داده شده، «از روح پر شوید.» اگر تعمید در وهلهٔ اول قرار دارد، پس پری هم در آن تعمید قرار دارد، و از طریق ورود به نجات خدا، زمینه برای تعقیب این پری فراهم می‌شود. روشن است که خدا می‌خواهد تمام مسیحیان از روح‌القدس پر شوند؛ پس بدون جنگ بر سر اینکه این اتفاق به چه شکل و در چه زمانی می‌افتد، معتقدم که تمرکز ما باید بر این باشد که مطمئن شویم پر شده‌ایم. ما باید با قدرت روح زندگی کنیم و خدمت‌مان را انجام دهیم. رابرت کلن می‌گوید:

وعدۀ [پر شدن از روح] عقیده‌ای دینی نیست که مورد بحث قرار بگیرد، بلکه واقعیتی است که باید تجربه شود؛ و نه یک مزیت جانبی برای چند مسیحی غیور

است و نه تعلیمی خاص از برخی کلیساهای اوانجلیکال. درست است، این وعده امکان دارد با نام‌های مختلفی خوانده شود و با توجه به دیدگاه‌های آموزه‌ای افراد، تفسیرهای مختلفی از آن بشود، اما حقیقت قدوسیت فراگیر روح القدس که مسیح از آن برخوردار بود، اساس مسیحیت عهد جدید است.

پُری به عنوان یک ویژگی زندگی

پر شدن با روح القدس در کتاب اعمال رسولان دو جنبه دارد. یکی شیوه زندگی است که باید تمام مسیحیان را توصیف کند و دیگری هم مسح برای چالش‌های خاص است.

پس ابتدا، پر شدن از روح یک ویژگی است که مردم را توصیف می‌کند. وقتی کلیسای اورشلیم به دنبال افرادی بود تا وظایف اداری کلیسا را به آنها بسپارد، شرط این بود که آنها باید «نیک نام و پر از روح القدس و حکمت» باشند (اعمال رسولان ۶: ۳). استیفان و برناباس هر دو به عنوان افرادی پر از روح توصیف شده‌اند (اعمال رسولان ۶: ۵؛ ۱۱: ۲۴). فرمان پولس که می‌گوید «از روح پر شوید» (افسیسیان ۵: ۱۸) نشان می‌دهد این چیزی است که برای همه مسیحیان ضرورت دارد. اما پر شدن از روح در اعمال رسولان شرطی برای انتصاب به خدمت یا توصیفی از افراد است. این نشان می‌دهد که برخی از افراد در کلیسا ممکن است پر نشده باشند. اینها مسیحیان غیرعادی هستند.

پس اولین ارجاع به پر شدن از روح به ما یادآوری می‌کند که این موضوع چیزی است که باید در زندگی‌مان به دنبالش باشیم و از تمام مسیحیان انتظار می‌رود. این شرط در هنگام انتصاب افراد به مقامات کلیسایی نیز باید به طور ویژه در نظر گرفته شود. در کلیسای اولیه، پری روح هم برای افرادی که موعظه می‌کردند و تعلیم می‌دادند و هم برای کسانی که وظایف اداری را انجام می‌دادند الزامی بود. اگرچه کتاب اعمال رسولان ارجاعات زیادی به پری روح به عنوان یک شرط ندارد، اما این موضوع جنبه عمده تعلیم پولس درباره روح است. پولس بر کار

روح در تشکیل شخصیت مسیحی تاکید زیادی دارد. آشناترین آیه‌های آن آیاتی است که فهرستی از ثمره روح ارائه می‌دهد (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳). عبارت مربوط به پری اینجا دیده نمی‌شود، اما به وضوح به آن اشاره شده است. به طور خاص در دو آیه بعدی به پری اشاره شده است، یعنی زمانی که پولس می‌گوید، «اگر به روح زیست کنیم، به روح هم رفتار بکنیم» (غلاطیان ۵: ۲۵). اینها راه‌های مختلف برای توصیف شرایط پر شدن از روح هستند. صحبت او در مورد عطایای روح در اول قرن‌تین ناگهان قطع می‌شود تا بتواند قسمتی در مورد برتری محبت بنویسد (اول قرن‌تین ۱۳). او وقتی می‌گوید «محبت خدا در دل‌های ما به روح القدس که به ما عطا شد ریخته شده است» (رومیان ۵: ۵)، از زبان پری استفاده می‌کند. کلمه‌ای که در اینجا «ریخته شده» ترجمه شده است (ekcheō)، مفهوم زیادی و فراوانی دارد.

در یک مطالعه آماری از وقوع موضوعات معین در رسالات پولس، توانستم پنجاه و نه مرجع را بیابم که هشتاد و یک آیه را در بر می‌گیرد و خدمت روح القدس را با ثمره روح و دیگر مسائل مربوط به تقدس در زندگی ایمانداران مرتبط می‌کند. رومیان باب ۸ شرحی مقتدر از توانایی روح برای کمک به ماست تا موافق روح زندگی کنیم و نه موافق جسم.

پس نتیجه می‌گیریم وقتی کتاب مقدس از پری روح به عنوان یک شرط صحبت می‌کند، از حالتی می‌گوید که در آن روح بر زندگی مردم حکمرانی می‌کند تا کار او، هم در رفتار و هم در خدمت آنها مشهود باشد. امروزه نیاز مبرمی به احیای این تاکید وجود دارد. جنبه قدرت بخشی روح برای خدمت در کلیسا بسیار برجسته شده، و نمایش این قدرت در جذب افراد خارج از کلیسا به آن موثر بوده است. این موضوع خوب و مطلوبی است. اما به دلیل سمت و سوی کنونی بازاریابی کلیسا، آنقدر بر جنبه جذب افراد خارج از کلیسا تاکید شده که نقش‌های دیگر روح به عنوان کسی که کمک می‌کند تا شخصیت شکل بگیرد حذف شده است. نتیجه غفلت از جنبه دوم کار روح این است که ما شاهد وقوع شکست‌های

اخلاقی و معنوی زیادی در بین افرادی هستیم که خدمت‌های قدرتمندی دارند و برخی از عطایای معجزه‌آسای روح را به نمایش می‌گذارند. وقتی متوجه شدم برخی از افراد که به نظر می‌رسد با قدرت از این هدایا استفاده می‌کنند، زندگی غیراخلاقی‌ای دارند یا به طرز چشمگیری در بروز برخی از میوه‌های روح ناتوان هستند، شگفت‌زده شدم، و تحیر من هنوز هم ادامه دارد. اما یک چیز قطعی است؛ زمانی که عدم تقدس این خادمان برجسته و «عطا یافته» مشخص شود، بی‌حرمتی به مسیح بی‌اندازه خواهد بود. همه ما، از جمله مایانی که عطیۀ اصلی‌مان موعظه و تعلیم است، باید مراقب دام شیطان باشیم که ما را به سمت غفلت از جنگ علیه عدم تقدس می‌برد. او ممکن است متقاعدمان کند که به دلیل قدرت آشکاری که در خدمت‌مان دیده می‌شود همه چیز رو به راه است.

قدرتی که به کار می‌بریم مطمئناً برای زمان طولانی همراه ما نمی‌ماند. اگر بر دوری از خدا پافشاری کنیم، روزی ناگهان خواهیم دید که عطایایمان ما را ترک کرده‌اند، و قادر نیستیم به خدمت‌مان ادامه بدهیم. زندگی ما از خدمت‌مان پیشی می‌گیرد، درست مثل شمشون که (خیلی دیر) متوجه شد قدرتش زندگی او را ترک کرده است (داوران ۱۶: ۲۰)؛ و نتیجه آن بی‌حرمتی به خدا است و معمولاً شرمساری برای ما. بنابراین باید مدام دربارهٔ این موارد هوشیار باشیم.

اول قرن‌های ۱۳: ۱-۳ به عطایای بزرگی اشاره می‌کند که معمولاً آنها را برای کلیسا بسیار ارزشمند می‌دانیم. اما آنها با عبارات نیش‌داری هم همراه هستند که هشدار می‌دهند اگر این عطایا همراه با محبت نباشند هیچ هستند. نصیحت پولس به تیموتائوس در این آیه بسیار به جاست: «خویشتن را و تعلیم را احتیاط کن و در این امور قائم باش که هرگاه چنین کنی، خویشتن را و شنوندگان خویش را نیز نجات خواهی داد» (اول تیموتائوس ۴: ۱۶). این راهنمایی به دنبال توصیه‌ای برای برتری در خدمت می‌آید (آیات ۱۴-۱۵). برتری مهم است، اما اگر پشتوانۀ آن یک زندگی خداپسندانه نباشد بی‌فایده است.

متوجه شده‌ام گاهی اجازه می‌دهم که سازش و بی‌تفاوتی تعهدم را به آرامی از بین

ببرند. اگر مراقب نباشم، این چیزها می‌توانند زندگی‌ام را نابود کنند. فکر می‌کنم چنین رفتاری یکی از راه‌هایی است که می‌توانیم «باعث رنجش روح‌القدس» شویم (افسیان ۴: ۳۰). این آیه در افسسیان پر است از چیزهایی که با آنها می‌توانیم روح را برنجانیم، مثل «سخن بد» (۴: ۲۹)، «تلخی و غیظ و خشم و فریاد و بدگویی و خباثت» (۴: ۳۱). جالب است که متن مشابه دیگری از پولس می‌گوید، «روح را اظفا مکنید» و در ادامه درباره‌ی از بین بردن استفاده از عطیه‌ای مشخص صحبت می‌کند «نبوت‌ها را خوار بشمارید» (اول تسالونیکیان ۵: ۱۹-۲۰). پس می‌توانیم هم از طریق زندگی غیر خداپسندانه و هم از طریق عدم استفاده صحیح از عطیای روحانی، روح را برنجانیم.

کلید حفظ پری روح و زندگی خداپسندانه داشتن قلبی است که پذیرای روح‌القدس باشد. اگر به روح نگاه کنیم، او به ما نشان خواهد داد که چه زمانی در راه‌های خطرناک حرکت می‌کنیم. یکی از خدمات‌های او به ما این است که معلم‌مان باشد (یوحنا ۱۴: ۲۶)، و کتاب مقدس به ما می‌گوید که خدا ما را به راه‌های عدالت هدایت خواهد کرد (مزمور ۲۳: ۳). بعد، او مطمئننا به ما نشان خواهد داد که چه زمانی از راهی که خدا برای ما در نظر دارد، منحرف می‌شویم. یکی دیگر از خدمات روح به ما این است که «جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم» کند (یوحنا ۱۶: ۸). کاری که او با جهان انجام می‌دهد را مطمئننا با آنهايي که به او تعلق دارند هم انجام خواهد داد.

چطور می‌توانیم قلبی داشته باشیم که پذیرای تشویق روح باشد؟ پولس می‌گوید قبل از اینکه عشای ربانی را انجام دهیم باید خودمان را بیازماییم (اول قرنتیان ۱۱: ۲۸). اگر اینطور است، چقدر بیشتر باید قبل از اینکه قوم خدا را در پرستش یا شهادت به او هدایت کنیم، خودمان را بیازماییم. پولس دوباره می‌گوید، «خود را امتحان کنید که در ایمان هستید یا نه. خود را باز یافت کنید» (دوم قرنتیان ۱۳: ۵). مزمورنویس اینطور دعا می‌کند، «ای خدا مرا تفتیش کن و دل مرا بشناس. مرا بیازما و فکرهای مرا بدان، و ببین که آیا در من راه فساد است؟ و مرا به طریق

جاودانی هدایت فرما» (مزمور ۱۳۹: ۲۱-۲۴).

زمان مناسب برای چنین آزمودنی قبل از این است که بخواهیم خدا را در خدمت‌مان نشان دهیم. متوجه شدم که قبل از موعظه، اغلب در این مورد که مطمئن شوم چیزی مانع کار خدا از طریق من نمی‌شود، دچار ناامیدی می‌شوم. احتمالاً نسبت به چیزی در زندگی‌ام بی‌توجه بوده‌ام، و بازبینی موعظه آن را به کانون توجه آورده است. در چنین مواقعی من در حالت پذیرش قرار دارم، و روح اغلب به من یادآوری می‌کند که چه چیزهایی باید اصلاح شوند. گاهی متوجه می‌شوم که باید با کسی صحبت کنم یا نامه‌ای بنویسم. اگر نتوانم این کار را قبل از موعظه انجام دهم به خداوند قول می‌دهم که آن را بعداً انجام دهم، و بعد به آمادگی برای موعظه ادامه می‌دهم.

یک واعظ معروف آمریکایی، زمانی که دربارهٔ موعظه مصاحبه‌ای داشت، گفت که صبح یکشنبه اغلب ماشینش را در پارکینگ کلیسا پارک می‌کند، و قبل از پیاده شدن از همسرش می‌خواهد او را برای کاری که انجام داده است ببخشد. او می‌دانست باید قبل از نشان دادن خدا در منبر، این موضوع را برطرف کند. یک بار که دی. ال. مودی در حال موعظه بود، شخصی را در بین حضار دید که با او مشکل داشت. بی‌درنگ از مخاطبین خواست که بایستند، یک سرود را اعلام کرد، و زمانی که مردم سرود می‌خواندند رفت و با آن شخص صلح کرد؛ سپس به منبر برگشت، از مردم خواست که بنشینند و به موعظه ادامه داد.

جورج مولر بعد از اینکه از مدیریت یتیم‌خانه‌اش بازنشسته شد (۱۸۹۸-۱۸۰۵)، در سن هفتاد سالگی وارد یک خدمت بشارتی سیار شد و تا سن هشتاد و هفت سالگی به آن ادامه داد. در طول این هفده سال او ۳۲۱۰۰۰ کیلومتر سفر و در چهل و دو کشور خدمت، و تقریباً برای سه میلیون نفر موعظه کرد. با توجه به اینکه اینها قبل از زمان اختراع هواپیما و سیستم‌های صوتی اتفاق افتاده‌اند، این ارقام شگفت‌انگیزند.

کسی از مولر راز زندگی طولانی‌اش را پرسید. او سه دلیل ارائه داد. دومین

دلیل، لذتی بود که در خدا و کار او احساس می‌کرد. سومین، نشاطی بود که از کتاب مقدس دریافت می‌کرد و قدرت احیا کننده مستمري که کتاب مقدس در وجود او ایجاد می‌کرد. اولین دلیل مربوط به این مبحث است - «خودش را ریاضت می‌داد تا همیشه وجدانی بی‌لغزش نسبت به خدا و مردم داشته باشد.» او به گفته‌های پولس خطاب به فلیکس اشاره می‌کند (اعمال رسولان ۲۴: ۱۶). کلمه (askēō) که در ترجمه قدیم «ریاضت» و در ترجمه شریف «سخت کوشی» ترجمه شده است یعنی «با تعهد خود را به فعالیت و داریم.» کاری است که با یک سرسپردگی بزرگ آن را انجام می‌دهیم. اینکه زندگی مان را با کارهای روحانی بی‌هدف بگذرانیم، بار بزرگی است. بار احساس تقصیر، نیروی مان را از بین می‌برد و ما را ضعیف و بی‌بهره از پری روح می‌کند.

از این می‌ترسم که رفتار نسل حاضر از راهبران مسیحی طوری باشد که به نسل بعدی نمونه‌ای بسیار ضعیف از خداترسی ارائه کنیم. اگر این جریان را متوقف نکنیم، می‌توانیم مسئول شیوع بدبینی در نسل جوان باشیم؛ نسلی که در آن، دیگر تعالیم احترامی ندارند، چون راهبران نسل قبل این تعالیم را با زندگی مقدس زینت ندادند (تیطس ۲: ۱۰). این وضعیت به نوبه خود می‌تواند به عصر تاریکی دیگری منجر شود، یعنی زمانی که مسیحیت اسمی (یعنی کسی که فقط نام مسیحیت را به دوش می‌کشد و در هنگام توبه و با ایمان به مسیح به عنوان نجات دهنده و خداوند اعتراف نکرده است - م) و ناتوانی مانند آفتی به جان کلیسا می‌فکنند.

کلمات ساده یک سرود نشان‌دهنده فریادی است که باید در قلب هر خدمتگزار انجیل وجود داشته باشد:

بگذار زیبایی عیسی در من دیده شود:
تمام مهربانی و پاکی شگفت‌انگیز او.
ای روح الهی، تمام ذات مرا پاک کن،

تا زمانی که زیبایی عیسی در من دیده شود.

البته، اثربخشی دراز مدت در خدمت، نتیجهٔ حیاتی‌ست که پری روح ویژگی آن است. عیسی می‌گوید: «هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد. کسی که به من ایمان آورد، چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد.» یوحنا می‌گوید: «اما این را گفت دربارهٔ روح که هر که به او ایمان آرد او را خواهد یافت» (یوحنا ۷: ۳۷-۳۹). یک دلیل عمده برای فرسودگی بالایی که امروزه در خدمت وجود دارد می‌تواند این باشد که ما به جای خدمت با منابع بی‌پایان روح، با قدرت خود خدمت می‌کنیم. سوزان پرل‌من که یکی از راهبران خدمتی به اسم یهودیان برای عیسی است، می‌گوید: «فرسودگی زمانی اتفاق می‌افتد که به جای روغن، فتلیه می‌سوزد.»

فکر می‌کنم بزرگترین ترس من برای خودم این است که پری روح را که این خدمت از آن سرچشمه می‌گیرد، از دست بدهم. مردم در نگاه اول متوجه خدمت من در جسم نمی‌شوند. فکر می‌کنم که من دانش، تجربه، و توانایی‌های کافی را دارم که بتوانم افراد را برای مدت زمان قابل توجهی فریب بدهم. آنها حتی اگر متوجه این موضوع شوند، اشاره‌ای به آن نمی‌کنند. اما از نظر موفقیت در دستورکار پادشاهی، یک مردود هستم که از خدمتی که پذیرش خدا را می‌خواهد، محروم می‌شوم. اما آگاهی از اینکه پولس هم با این ترس زندگی می‌کرد، تسلی‌بخش است. او می‌گوید: «بلکه تن خود را زبون می‌سازم و آن را در بندگی می‌دارم، مبادا چون دیگران را وعظ نمودم، خود محروم شوم» (اول قرنتیان ۹: ۲۷).

بی‌واسطگی روح

باید در این موضوع به یک نکتهٔ دیگر دربارهٔ کیفیت زندگی افرادی اشاره کنم که با روح پر شده‌اند. عیسی گفت، برای شاگردان بهتر است که برود تا تسلی‌دهنده بیاید (یوحنا ۱۶: ۷). آیات بعدی در توصیف کار روح می‌آیند که جهان را

محکوم می‌کند. اما فکر می‌کنم بتوانیم اینطور استنباط کنیم که یکی از برکاتی که عیسی درباره آمدن روح به آن اشاره کرد، بی‌واسطگی حضور روح بود. او نه فقط گاهی اوقات (مثل حضورش در کنار شاگردان زمانی که عیسی بر روی زمین بود) بلکه دائماً با ماست. به نظر می‌رسد حضور خدا یکی از ویژگی‌های عهد جدید است که ارمیا و دیگران آن را پیش‌بینی کرده بودند، یعنی زمانی که شریعت بر قلب‌های قوم خدا نوشته می‌شود و آنها خداوند را از نزدیک می‌شناسند (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ نک. حزقیال ۱۱: ۱۸-۲۰). در زمان عهد عتیق بی‌واسطگی روح را فقط تعداد کمی که امتیازی ویژه داشتند تجربه می‌کردند.

عهد جدید مرحله‌ای تازه در بی‌واسطگی رابطه ما با خدا از طریق روح را شرح می‌دهد (رومیان ۸: ۹، ۱۱؛ اول قرنتیان ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۹؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴؛ فیلیپیان ۲: ۱). او بر روح ما شهادت می‌دهد، و ما را مطمئن می‌کند که فرزندان خدا هستیم (رومیان ۸: ۱۵-۱۶). خدا وجودی دور نیست که با او رابطه‌ای کاملاً ذهنی داشته باشیم؛ ما واقعا او را تجربه می‌کنیم. ما قدرت او را در زندگی روزانه‌مان تجربه می‌کنیم (لوقا ۲۴: ۴۹؛ اعمال رسولان ۱: ۸). در واقع، در کتاب اعمال رسولان دریافت روح نه تنها از نظر ذهنی باور شد، بلکه چیزی بود که شخصا تجربه شد (اعمال رسولان ۸: ۱۷-۱۹؛ ۱۹: ۶). در اعمال رسولان زمان‌هایی هستند که ایمانداران به وضوح می‌دانستند که روح با کلام هدایت‌کننده با آنها صحبت کرده است (اعمال رسولان ۱۳: ۲-۴؛ ۱۶: ۶-۷). گاهی اوقات همانطور که خدمت اغابوس نبی این موضوع را نشان داد، این هدایت از طریق کاربرد عطیه روحانی می‌آمد (اعمال رسولان ۱۱: ۲۷-۲۸؛ ۲۱: ۱۰-۱۱؛ نک. اول قرنتیان ۱۲ و ۱۴).

در طول قرن‌ها مسیحیان از سنت‌های الاهیاتی مختلف در کلیسا این حس بی‌واسطگی خدا از طریق روح القدس را تجربه کرده‌اند. اما اغلب یک راست‌دینی خشک (یا گاهی اوقات دگراندیشی «یعنی هرگونه عقیده یا آموزه‌ای که با یک موضع رسمی یا راست‌دینی مغایرت داشته باشد.»-م) به کلیسا حمله کرد تا چنین

تجربه‌ای را خفه کند. در طول سال‌ها، احیاگری‌هایی اتفاق افتاد که مسیحیان این بی‌واسطگی روح را دوباره تجربه کردند، طوری که دوباره به خط مقدم زندگی مسیحی برگشته است. در سه قرن گذشته، این امر از طریق طرفداران و سلی و بیداری کاریزماتیک اتفاق افتاد.

در واقع، اعتقاد به برکات بی‌واسطگی روح مورد سوءاستفاده قرار گرفت. برخی از مسیحیان ادعا کردند که خدا چیزهای خاصی به آنها گفته است که احتمالاً بیشتر زاده ذهن خودشان بود. و گاهی این کار خیلی آسیب‌زننده بود. اما استفاده نادرست از عطیه نباید باعث عدم استفاده از آن شود. مشکلات باید باعث شوند که ما دستورالعمل‌هایی برای استفاده درست از آن ایجاد کنیم، یعنی همان کاری که پولس در اول قرن‌تین ۱۲-۱۴ انجام داد.

یکی از نتایج تجربه بی‌واسطگی روح جنب و جوشی تازه در پرستش است. مسیحیان اولیه این را در روز پنتیکاست با شیوه‌ای که خدا را ستایش کردند، نشان دادند (اعمال رسولان ۲: ۱-۱۲). پولس درست قبل از اینکه به اهالی افسس پند بدهد که از روح پر شوند (افسسیان ۵: ۱۸)، گفت، «با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دل‌های خود به خداوند بسرایید و ترنم نمایید. و پیوسته به جهت هر چیز خدا و پدر را به نام خداوند ما عیسیای مسیح شکر کنید» (۵: ۱۹-۲۰). می‌گویند منازل متدوسیت‌های اولیه از صدای سرود خواندن‌شان شناخته می‌شدند. امروز کل کلیسا در نتیجه بیداری کاریزماتیک تحریک شده تا به برتری و جنب و جوش پرستش دوباره فکر کند؛ و این موضوع کلیسا را در سراسر جهان به موسیقی‌های جدید زیادی مجهز کرده است (که بعضی از آنها خوبند و بعضی خیلی خوب نیستند!).

پری به عنوان مسیحی برای خدمت

دومین راهی که مفهوم پُری از روح برای آن استفاده شده، مسح برای چالش‌های خاص است. می‌بینیم که از این موضوع چندین بار در اعمال رسولان استفاده

شده است. لوقا شرح خود از اولین جواب پطرس در برابر راهبران یهودی به اتهامات علیه کلیسا را اینطور شروع می‌کند: «آنگاه پطرس از روح القدس پر شده، بدیشان گفت...» (اعمال رسولان ۴: ۸). روح او را پر کرد تا بتواند به شکل مناسب پاسخ دهد، چون عیسی وعده داده بود که، «و چون شما را گرفته، تسلیم کنند، میندیشید که چه بگویید و متفکر مباشید بلکه آنچه در آن ساعت به شما عطا شود، آن را گویید زیرا گوینده شما نیستید بلکه روح القدس است» (مرقس ۱۳: ۱۱). این یک مسح برای مواجهه با مخالفت است.

در این موقعیت راهبران یهود «قدغن کردند که هرگز نام عیسی را بر زبان نیاورند و تعلیم ندهند» (اعمال رسولان ۴: ۱۸). شاگردان اینطور جواب دادند، «ما را امکان آن نیست که آنچه دیده و شنیده‌ایم، نگوییم» (آیه ۲۰)، و سپس پیش باقی ایمانداران رفتند و چیزی را که اتفاق افتاده بود گفتند. این اولین بحران بزرگ برای کلیسا بود. بزرگترین وظیفه آنها غیرقانونی اعلام شده بود. وقتی ایمانداران «این را شنیدند، آواز خود را به یک دل به خدا بلند» کردند. در این دعا آنها گفتند، «و الان ای خداوند، به تهدیدات ایشان نظر کن و غلامان خود را عطا فرما تا به دلیری تمام به کلام تو سخن گویند» (آیه ۲۹). خدا فوراً به این دعا پاسخ داد: «و چون ایشان دعا کرده بودند، مکانی که در آن جمع بودند به حرکت آمد و همه به روح القدس پر شده، کلام خدا را به دلیری می‌گفتند» (آیه ۳۱). این هم مسیحی است که می‌توان با آن در میان مخالفت با ایمان بود.

زمانی که با مخالفت و بحران مواجه می‌شویم، اغلب عکس‌العمل اشتباه نشان می‌دهیم. همانطور که واکنش‌های زیر نشان می‌دهند، می‌توانیم بیش از اندازه محتاط شویم و بگوییم: «دیگر هرگز جایی که دشمنان هستند شاهد نخواهم بود.» «هرگز دیگر کاری خارج از قاعده انجام نمی‌دهم.» «این کلیسا آماده تغییر نیست یا علاقه‌ای به آن ندارد.» «من برای این کار مناسب نیستم. شاید باید از آن دست بکشم.» گاهی اوقات در واکنش‌های مان بیش از حد پرخاشگر می‌شویم. زمانی که مشایخ تصمیمی غیرمنطقی گرفتند تا به یک جلسه جوانان که تا حدی

بحث برانگیز بود، اجازه برگزاری ندهند، کشیش اینطور پرسید: «این چیزی است که مشایخ می‌گویند؟ خب، من کشیش هستم و به آنها نشان خواهم داد اختیار دارم که این برنامه را تایید کنم.» یا نامه‌ای با لحنی تند از طرف یکی از اعضا می‌آید که ما را متهم به کاری اشتباه می‌کند و ما با نامه‌ای که لحنی تندتر دارد جواب می‌دهیم و چند نسخه از آن را برای دیگران هم می‌فرستیم.

وقتی مورد حمله قرار می‌گیریم، واقعا به حکمت و جسارتی نیاز داریم که از روح می‌آید. به همین دلیل در چنین شرایطی خیلی مهم است که منتظر هدایت و قدرت خداوند شویم. زمانی که با مشکلی مواجه می‌شویم معمولا اولین واکنش‌مان این است که مشغول تلاش برای حل آن می‌شویم؛ و اغلب زمانی به سراغ دعا می‌آوریم که تمام چیزهای دیگری که امتحان کرده‌ایم کارساز نبودند.

بزرگترین بحرانی که در خدمت با آن مواجه شدم، چند سال پیش زمانی اتفاق افتاد که بعضی از کارمندان از تصمیماتی خاص ناراحت بودند. آنها احساس کردند که من به عنوان راهبرشان به آنها خیانت کرده‌ام. وقتی به خشم آنها گوش می‌کردم، دردهای عمیقی را تجربه کردم. در این زمان خدا قاعده‌ای را به من یاد داد که از نظرم خیلی مفید است: در زمان بحران، قبل از اینکه افراد مخالف را ملاقات کنیم، باید به ملاقات خدا برویم. خدمت ما در درجه اول واکنشی به خشم و عدم پذیرش مردم نیست؛ و از پذیرش ما توسط خدا به عنوان خدمت‌گزاران ارزشمندش و از پری توسط روح سرچشمه می‌گیرد تا بتوانیم با چالش‌هایی که با آنها مواجه می‌شویم مقابله کنیم.

گاهی اوقات در زمان این بحران، من برای ساعت‌ها در اتاقم تنها می‌مانم - فکر و دعا می‌کردم و کلام او را می‌خواندم - و آگاه بودم که در حضور خدا هستم؛ و بعد با قوتی که از زمان بودن در حضور خدا گرفته بودم به دیدن آن افراد رفتم. باور دارم که جواب خشم آنها را با روح دادم و نه با جسم. مطمئنم با این کار بدون اینکه بخشی از آن مشکل شوم، عاملی برای شفا شدم. رویارویی یعقوب در تمام شب با خدا، یعنی زمانی که شنید برادرش عیسو با لشگری بزرگ برای

دیدنش می‌آید، مثالی خوب از این قاعده است (پیدایش ۳۲: ۲۲-۳۲). می‌دانیم که یعقوب به عنوان مردی ترسو به آن کوه رفت، اما صبح فردا با برکتی غنی برای مواجهه با چالش پیش عیسو رفت.

سومین مثال در اعمال رسولان دربارهٔ پری به عنوان مسح، درست قبل از مرگ استیفان می‌آید. او سخنرانی بزرگ خود را با متهم کردن افراد به سرپیچی از شریعت و مصلوب کردن ماسیح آنها تمام می‌کند (اعمال رسولان ۷: ۵۱-۵۳). آیات بعدی می‌گویند، «چون این را شنیدند دلریش شده، بر وی دندان‌های خود را فشردند.» گفته شده که، «اما او از روح القدس پر بوده، به سوی آسمان نگرست و جلال خدا را دید و عیسی را بدست راست خدا ایستاده و گفت: «اینک آسمان را گشاده، و پسر انسان را به دست راست خدا ایستاده می‌بینم» (آیات ۵۵-۵۶). چیزی که در ادامه می‌آید توصیف مرگ استیفان است که با سنگسار توسط جمعیت خشمگین اتفاق افتاد.

در اینجا استیفان بعد از دریافت روح عملکردی خدمتی اجرا نکرد. چالشی که مقابل او قرار دارد تجربهٔ مرگی دردناک است. پس این، مسحی برای مواجهه با مرگ است. و شکل مشخصی از مسح که اینجا رخ می‌دهد، دیدی تازه نسبت به جلال عیسی است. نمونه‌های زیادی در تاریخ وجود دارند که قوم خدا دید تازه‌ای نسبت به خدا و طبیعت او را در زمان بحران عمیق تجربه می‌کنند. در سالی که عزیا که پادشاهی درستکار بود مرد و پادشاهی شیرجایگزین او شد، اشعیا گفت، «خداوند را دیدم که بر کرسی بلند و عالی نشسته بود، و هیکل از دامن‌های وی پر بود» (اشعیا ۶: ۱).

واعظ بزرگ هندی سادو ساندر سینگ، وقتی مسیحی شد خانواده‌اش که سیک بودند او را ترک و مسموم کردند. بعداً او نزدیک به خانهٔ خانواده‌اش موعظه می‌کرد، و تصمیم گرفت به دیدن پدرش برود. ساندر سینگ می‌گوید که چه اتفاقی افتاد: «چون با مسیحی شدن خانواده را بی‌آبرو کرده بودم، ابتدا پدرم خواست من را ببیند، یا مرا با خانه راه دهد. اما کمی بعد بیرون آمد و گفت، «خیلی خوب،

امشب می‌توانی اینجا بمانی؛ اما باید صبح زود بروی. دیگر نمی‌خواهم تو را ببینم.» سینگ می‌گوید: «من ساکت ماندم، و آن شب او برای من جایی با فاصله درست کرد که مبادا آنها یا ظروفشان را ناپاک کنم، و بعد برایم غذا آورد، و با ظرفی از فاصله بالا روی دست‌هایم آب ریخت تا آن را بنوشم، درست مثل کسی که به یک مطرود آب می‌دهد.»

او ادامه می‌دهد: «پدرم که زمانی من را خیلی دوست داشت، حالا آنقدر از من متفر بود که لمس نمی‌کرد.» تحمل این موضوع خیلی سخت بود. «وقتی این رفتار را دیدم، نتوانستم جلوی اشک‌هایی که از چشمم می‌ریختند را بگیرم.» معتقدم که در آن زمان او پری روح را تجربه کرد. او می‌گوید، «علیرغم همه این‌ها، قلب من با آرامشی غیرقابل توصیف پر بود؛ و برای این رفتار از او تشکر هم کردم... و با احترام خداحافظی کردم و رفتم. در زمینی از خدا تشکر کردم و زیر یک درخت خوابیدم، و صبح به راهم ادامه دادم.»

سال‌ها بعد پدر ساندر سینگ هم مسیحی شد. یک شهید مسیحی به شخصی که آتشی برای کشتن او روشن می‌کرد لبخند می‌زد. آن شخص از دیدن او که لبخند می‌زد خیلی ناراحت بود و از او پرسید چرا می‌خندد. شهید جواب داد، «من جلال خدا را دیدم و خوشحال شدم.»

زمان‌های مرگ واقعی و عاطفی، یعنی هنگامی که برای عدالت رنج می‌کشیم، خیلی سخت هستند. خشم یک واکنش طبیعی است، چون ما کار اشتباهی انجام ندادیم، در حالیکه افرادی که در رده‌های بالا هستند واضحاً اشتباه می‌کنند. این موقعیت‌ها شخصیت مسیحی ما را به صورت کامل امتحان می‌کنند؛ و ما برای مواجهه با آنها به حمایت فیض کافی خدا نیاز داریم. ما به لمسی خاص از جانب خدا نیاز داریم - مسیحی با پری روح.

چهارمین وقوع پری به عنوان مسح برای انجام کاری، زمانی است که برنابا و سولس به سرجیوس پلوس که والی روم و مشتاق شنیدن کلام خدا بود، شهادت می‌دادند. «ایشان را مخالف نموده، خواست والی را از ایمان

برگرداند» (اعمال رسولان ۱۳: ۸)؛ و بعد پولس، «پراز روح القدس شده، بر او نیک نگریسته» او را توبیخ کرد و به او گفت که ناینما می‌شود. و او ناینما شد (آیات ۹-۱۱). این مثالی از پری برای توبیخ است.

ما به شجاعت روح برای توبیخ افراد نیاز داریم، چون گاهی اوقات ترجیح می‌دهیم که مسئله را نادیده بگیریم چون مواجهه می‌تواند سخت و ناخوشایند باشد. ما به کنترل روح هم نیاز داریم، چون می‌توانیم ناشکیبا باشیم و توبیخ را خیلی تند انجام دهیم که در این صورت بیشتر آسیب زنده است تا بنا کننده. زمانی که باید کسی را توبیخ کنم، سعی می‌کنم قبل و در حین این اتفاق، دعا کنم تا بتوانم تحت کنترل روح صحبت کنم.

در اعمال رسولان موقعیت‌هایی که از آنها مسح‌های خاص به وجود می‌آیند تا حدی محدود هستند. اما این فهرست مفید است، چون می‌بینیم که مسح با مرگ و سرزنش در ارتباط است، و این‌ها موقعیت‌هایی هستند که معمولاً آن‌ها را با هم مرتبط نمی‌دانیم؛ و می‌خواهیم امکان مسح برای خدمت‌های عمومی مثل موعظه و شفا را محدود کنیم. در اعمال رسولان همچنین مسح برای مواجهه با بحران را می‌بینیم.

آن باب از اشعیا که عیسی در ناصره درباره مسح خودش از آن نقل قول می‌کند (اشعیا ۶۱: ۱-۲) به جنبه‌های زیادی از خدمت اشاره دارد. «روح خداوند بر من است، زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد تا شکسته‌دلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی موعظه کنم و تا کویدگان را آزاد سازم، و از سال پسندیده خداوند موعظه کنم» (لوقا ۱۸: ۱۹). تنوع خدمت‌ها که در اینجا به آنها اشاره شده است، نشان می‌دهد ما برای هر کاری که برای خدا انجام می‌دهیم به مسح او نیاز داریم. این کار ممکن است سخنرانی در یک جلسه یا مواجهه با یک نیاز برای تادیب کسی، رویارویی با مخالفت یا دلسردی، تعلیم بچه‌ها در کانون شادی یا مدرسه، عیادت از یک بیمار یا خواندن یک سرود یا توضیح موضوعی به فرزند یا والدین کسی، کار برای

عدالت اجتماعی یا انجام کارهای اجتماعی، یا کار در محیطی ناپاک و فاسد باشد؛ تمام این چالش‌ها مستلزم مسح روح هستند. گاهی اوقات این مسح‌ها به شکلی اتفاق می‌افتند که به وضوح برای دیگران قابل مشاهده است، درست مانند برخی از مثال‌ها در اعمال رسولان. فکر می‌کنم می‌توانیم فرض کنیم که در زمان‌های دیگر، اگرچه ممکن است مسح به وضوح دیده نشود، اما وجود دارد. گاهی اوقات که متوجه می‌شویم از طریق پیامی که من آن را یک شکست واقعی می‌دانستم، به مردم خدمت شده است، از این موضوع شگفت‌زده می‌شویم. اگرچه فکر می‌کردم که روح مرا ترک کرده، اما او با وجود این از طریق پیام کار می‌کرد.

دعا و مسح

ما باید مطمئن شویم که با مسح خدا خدمت می‌کنیم. آیا کاری هست که بتوانیم انجام دهیم تا از این موهبت مطمئن شویم؟ قطعاً خداوند قادر ما را با این قدرت فرا طبیعی بر اساس ارادهٔ خودش برکت خواهد داد، و گاهی متوجه می‌شویم او زمانی بیشتر از ما استفاده می‌کند که به نظر می‌رسد کمترین آمادگی را داریم. اما ما به نوبهٔ خودمان می‌توانیم به دنبال هماهنگی با خدا بوده تا ظروفی مناسب برای استفادهٔ او باشیم. در آیه‌ای که پولس از استعارهٔ ظرف استفاده می‌کند، به تیموتائوس می‌گوید، «پس اگر کسی خویشتن را از اینها طاهر سازد، ظرف عزت خواهد بود، مقدس و نافع برای مالک خود و مستعد برای هر عمل نیکو» (دوم تیموتائوس ۲: ۲۱). ما قبلاً به نیاز برای قداست در زندگی خدمت‌گزاران خدا نگاه کرده‌ایم.

در عهد جدید و به طور خاص در نوشته‌های لوقا، رابطه‌ای نزدیک بین دعا و تجربه کردن روح وجود دارد. عیسی بعد از تعمید در حال دعا بود که درهای آسمان باز و روح‌القدس بر او نازل شد (لوقا ۳: ۲۱-۲۲). عیسی گفت که «پدر آسمانی شما روح‌القدس را خواهد داد به هر که از او سوال کند» (لوقا ۱۱: ۱۳).

قبل از روز بزرگ پنتیکاست، «جمیع اینها با زنان و مریم مادر عیسی و برادران او به یک دل در عبادت و دعا مواظب می‌بودند» (اعمال رسولان ۱: ۱۴). بعد از اینکه به پطرس و یوحنا گفته شد نباید به خبر خوش موعظه کنند، کلیسا دعا کرد، و بلافاصله بعد از دعا آنها از روح پر شدند (اعمال رسولان ۴: ۳۱).

در بعضی از کارهای خدمت، مثل دعا برای بیمار، دعا مستقیماً قدرت خدا را آزاد می‌کند. دربارهٔ دعا برای شفا، یعقوب می‌گوید، «دعای مرد عادل در عمل، قوت بسیار دارد» (یعقوب ۵: ۱۶). ما اغلب در خدمت‌مان افراد را به دعا هدایت کرده و برای نیازهای ویژهٔ افراد در ملاعام یا به صورت شخصی دعا می‌کنیم. اما علاوه بر این، باید به یاد داشته باشیم که دعا کلیدی است برای باز کردن زندگی‌های مان به روح تا بتواند ما را پر کند. عیسی به وضوح می‌گوید که دعا کلید قدرت در خدمت است. وقتی شاگردان از عیسی پرسیدند که چرا نتوانستند روح شریر را از یک پسر جوان بیرون کنند، او گفت، «این جنس به هیچ وجه بیرون نمی‌رود جز به دعا» (مرقس ۹: ۲۹). در این مورد هیچ گزارشی دربارهٔ دعای عیسی قبل از بلند کردن پسر وجود ندارد. مرقس می‌گوید، «عیسی دستش را گرفته، برخیزانیدش که بر پا ایستاد» (مرقس ۹: ۲۷). اما درست قبل از این اتفاق، عیسی بر کوه تبدیل هیبت دعا کرده بود (لوقا ۹: ۲۹).

بنابراین وقتی عیسی در مرقس ۹: ۲۹ به شاگردان دربارهٔ نیاز به دعا برای قدرت در خدمت گفت، دربارهٔ زندگی دعاگونه به عنوان جنبهٔ حیاتی از آمادگی برای خدمت صحبت می‌کرد. اشعیا ۴۰: ۳۱ وعده می‌دهد، «آنانی که منتظر خداوند می‌باشند قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد. خواهند دوید و خسته نخواهند شد. خواهند خرامید و درمانده نخواهند گردید.»

دعا کمک می‌کند که با قلب خدا هماهنگ شویم. یهودا می‌گوید، «... در روح القدس عبادت نموده، خویشتن را در محبت خدا محفوظ دارید» (یهودا ۲۰-۲۱).

«دعا» در یونانی یک وجه وصفی، و «خویشتن را محفوظ دارید» یک فعل امری

است. ما چطور خودمان را در محبت خدا محفوظ می‌داریم - این یعنی مطمئن شویم با دعا در نام روح القدس کاملا با روح القدس هماهنگ هستیم؟ وقتی دعا می‌کنیم، بادبان‌های مان را به سمتی می‌گذاریم که در جهت باد روح باشد تا بتوانیم در جریان با او همراه شویم. وقتی در حضور او می‌مانیم، صمیمیت مان را با او عمیق می‌کنیم، و این یعنی زمانی که خدمت می‌کنیم می‌توانیم او را بهتر نشان دهیم.

دابلویو. ای. سنگستر از کلمه قدیمی تدهین برای توضیح دادن آنچه ما در اینجا مسح می‌خوانیم، استفاده می‌کند. او تدهین را اینطور توصیف می‌کند، «سری است که هیچکس نمی‌تواند آن را در موعظه تعریف کند و هیچکس (با هرگونه حساسیت روحانی‌ای) نمی‌تواند آن را اشتباه متوجه شود.» ۱۱

او می‌گوید، «تدهین فقط از دعا می‌آید. و چیزهای دیگر که برای واعظ ارزشمند هستند با دعا و چیزهای دیگر می‌آیند. تدهین فقط از دعا می‌آید. اگر هرچیز دیگری فقر دعا‌های نهان ما را آشکار نمی‌کرد، فقدان تدهین این کار را می‌کرد. موعظه شایسته، اغلب فراست یک مرد را آشکار می‌کند. ... تدهین حضور خدا را آشکار می‌کند.» ۱۲

ای. استنلی جونز تا زمانی که تقریباً نود ساله بود، سرزندگی خارق‌العاده‌ای را در خدمتش نشان داد. داند دمری معلم فن موعظه‌ام از زمانی می‌گوید، که به عنوان یک واعظ جوان، این امتیاز را داشته تا بعد از جلسه دکتر جونز را به خانه‌اش برساند. دمری از او پرسید چه چیزی باعث شد تا او اینطور تاثیرگذار انجیل را انتقال دهد. ظاهراً دکتر جونز از این سوال خجالت‌زده شد و نتوانست چیزی بگوید. اما درست قبل از پیاده شدن از ماشین گفت، «دعا.» جونز اینطور نوشته است: «کسی از من پرسید چطور زندگی روحانی‌ام را حفظ کرده‌ام - ساعت‌های خاصی متعلق به روز نیستند - آنها مجزا هستند؛ این ساعات به دریافت قدرت برای روز تعلق دارند. اگر این ساعات‌ها را از دست بدهم روز هم با آنها از دست می‌رود. اگر زیاد دعا کنم بهترم و اگر کمتر دعا کنم خوب نیستم. اگر ساعت‌های

دعا تقلیل بروند روز هم تقلیل می‌رود.» ۱۳

گاهی که در حال آمادگی برای کاری مثل نوشتن موعظه هستیم، ممکن است خدا ما را ترغیب کند تا دست از آمادگی برداریم تا خودمان را آماده کنیم. وقتی این نیاز را احساس می‌کنیم حکیمانه است که فوراً دست از کار بکشیم و دعا کنیم. گاهی آماده‌سازی می‌تواند مانع دعای مان شود. کلیسایی که به آن می‌روم بعد از ظهر تشکیل می‌شود، و کاری که من معمولاً انجام می‌دهم این است که یکشنبه قبل از رفتن به جلسه برای اعضا دعا کنم. این یعنی من باید تمام کارهایم را تقریباً نیم ساعت زودتر تمام کنم تا بتوانم این وقت را برای دعا داشته باشم. یک روز مشغول کار بر روی یک درس کتاب مقدسی بودم که در نهایت منجر به این کتاب شد، کار به خوبی پیش می‌رفت؛ بعد متوجه شدم که باید از کار دست بکشم و دعا کنم، اما به کار ادامه دادم و ناگهان دیدم که وقت رفتن است، پس خواستم سریع کاری را که نوشته بودم ذخیره کنم تا بتوانم کامپیوتر را خاموش کنم، و درست در همان لحظه کامپیوترم از کار افتاد. من نیم ساعت کار را از دست دادم و این درس خوبی شد تا الویت‌هایم را مشخص کنم.

وقتی قبل از رویدادی دعا می‌کنیم، باید از خدا پری او در زمان خدمت را بخواهیم. پولس از خوانندگان رسالاتش خواست تا برای جنبه‌های مختلف خدمت او دعا کنند. او به اهالی افسس گفت: «برای من نیز دعا کنید تا وقتی سخن می‌گویم قدرت بیان به من عطا گردد و بتوانم سرانجیل را با شهادت فاش سازم ... دعا کنید که من آن را، چنانکه باید و شاید، با شهادت بیان کنم» (افسیان ۶: ۱۹-۲۰). او اگر از دیگران خواسته که این دعا را برایش بکنند، پس باید حتماً چنین دعایی را هم برای خودش کرده باشد. من اغلب به عنوان بخشی از دعایم قبل از انجام کاری یک سرود کلیسایی یا سرودی دربارهٔ مسح روح می‌خوانم، چون گاهی سرودها خواسته‌هایم را بهتر از من بیان می‌کنند. و وقتی به سمت منبر یا صحنه برای شروع پیام می‌روم، معمولاً در سکوت از خدا مسح او را می‌خواهم. با این حال، فکر نمی‌کنم که ما نیاز داشته باشیم قبل از رویدادی تمام وقت

دعای مان را صرف این کنیم که از خدا بخواهیم ما را پر کند. شکل‌های دیگری از دعا مثل شفاعت هم به ما کمک می‌کنند که با خدا هماهنگ باشیم. وقتی دعا می‌کنیم در تماس مستقیم با خدا هستیم. اگر قبل از موعظه، زمان دعای همیشگی‌ام را داشته باشم، معمولا برای افرادی که در لیست دعای همیشگی‌ام هستند دعا می‌کنم. اخیرا در کنفرانسی در آمستردام برای مبشرین پیامی صبحگاهی داشتم. صحبت کردن با ده هزار مبشر کاری چالش برانگیز و از نظر روحانی خسته کننده است. صبح زود برای دعا بیدار شدم. اما بعد از اینکه چند بار برای مسح خدا دعا کردم، متوجه شدم که تکرار یک چیز فایده‌ای ندارد؛ پس لیست دعایم را برداشتم و مثل کاری که هر روز سعی می‌کنم انجام دهم، برای خانواده و همکارانم دعا کردم. بعدا متوجه شدم که این شفاعت هم من را برای سخنرانی آماده می‌کرد؛ چون با خدا وقت می‌گذراندم، پس با قلب خدا هماهنگ می‌شدم.

معمولا یک روز قبل از رویداد، سعی می‌کنم مطمئن شوم که در برنامه‌ام زمان کافی برای دعا کنار گذاشته شده است. اما چند بار پیش آمده که به دلیل شرایط اجتناب ناپذیر نتوانستم این زمان را مطابق برنامه سپری کنم؛ و به همین دلیل باید به فیض خدا که برای هر نیازی کافی است، تکیه می‌کردم و با ایمان و این باور که او خدمتم را برکت می‌دهد می‌رفتم.

سال گذشته در کنفرانسی در انگلیس برای مبشرین، به صورت روزانه سخنرانی می‌کردم، و یک روز می‌خواستم درباره‌ی نیاز خدمتگزاران مسیحی برای داشتن وقتی منظم با خدا صحبت کنم. یک شب قبل، ساعت مچی‌ام را تنظیم کردم تا چهار بار به فاصله‌ی یک دقیقه زنگ بزند و اینطور مطمئن می‌شدم که به موقع بیدار می‌شوم تا قبل از سخنرانی زمانی برای دعا داشته باشم. من بعد از هر چهار بار که ساعت زنگ زد خواب ماندم، و با نگرانی بیدار شدم! با عجله و به سختی سر وقت به جلسه رسیدم. اما فیض خدا برای آن چالش کافی بود.

همچنین زمان‌هایی داشته‌ام که درست قبل از سخنرانی، ناگهان ایده‌ای جدید مربوط به موضوع به ذهنم می‌رسید، و می‌دانستم که باید روی آن نکته کار

کنم؛ و به همین دلیل، گاهی زمان دعایم کوتاه می‌شود. در چنین شرایطی باید از خدا بخواهم که مراقبم باشد و با دادن این قول به خدا که به دعای شفاعتم در ساعت‌های دیگر همان روز «می‌رسم»، به سخنرانی بروم. روزی که برای اولین بار این متن را می‌نوشتم این اتفاق برایم افتاد. نکات خوب جدیدی برای پیغامی که آن روز صبح داشتم به ذهنم رسیدند. نوشتن این نکات با زمان دعایم تداخل پیدا کرد؛ پس به خدا قول دادم که عصر دعا می‌کنم. اما عصر قولم را فراموش کردم و بدون انجام دادن دعای شفاعتم کار نوشتن را شروع کردم. بعد از نوشتن این پاراگراف، دست از نوشتن برداشتم و دعا کردم.

همه این‌ها نشان می‌دهد که نمی‌توانیم دربارهٔ ارتباط زمان دقیق دعا و مسح برای کارهای خدمت، به قانونی پایبند باشیم. مهم این است که نزدیکی‌مان به خدا را حفظ کنیم؛ و من هیچ راه بهتری به جز دعا برای حفظ این ارتباط نمی‌شناسم. پس بیایید مطمئن شویم که در روح خدمت می‌کنیم. بالاخره ما با آگاهی کامل از عدم شایستگی‌مان برای انجام چنین کار بزرگی، با ایمان پیش می‌رویم و به خدا اعتماد داریم که ما را می‌بیند. اما اگر مانعی برای کار خدا وجود دارد که می‌توانیم آن را ببینیم، در نهایت فوریت با آن برخورد می‌کنیم. سهم ما تلاش برای رفع مانع در کار خداست؛ و این خداست که در آخر کار را انجام می‌دهد.

دعای ما تنها کلید دعا برای مسح نیست. رسالات پولس نشان می‌دهند که او برای قدرت در خدمتش روی دعای دیگران حساب می‌کرد. من یازده مثال در هشت رساله پیدا کردم که در آنها او از خوانندگان می‌خواهد برایش دعا کنند. دو درخواست هم در عبرانیان وجود دارد. همانطور که موارد زیر نشان می‌دهند، پولس برای چیزهای مختلفی درخواست دعا کرد:

* یک مورد، درخواستی کلی است: «ای برادران، برای ما دعا کنید» (اول تسالونیکیان ۵: ۲۵). عبرانیان ۱۳: ۱۸ هم چنین درخواستی دارد.

* او پنج بار برای رهایی از زندان یا دشمنان درخواست دعا می‌کند (رومیان ۱۵: ۳۱؛ دوم قرنتیان ۱۱: ۱؛ فیلیپیان ۱: ۱۹؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۲؛ فیلیمون

۲۲).

* او برای دریافت کلام درخواست دعا می‌کند تا بتواند با شهادت انجیل مسیح را بشناساند (افسیان ۶: ۱۹).

* او دوباره برای شهادت در بیان، درخواست دعا می‌کند (افسیان ۶: ۲۰).

* او درخواست شفاف بودن در بیان پیغام را دارد (کولسیان ۴: ۴).

* او درخواست می‌کند تا درها برای بشارت باز شوند (کولسیان ۴: ۳) و پیغام به سرعت منتشر شود و مورد احترام قرار بگیرد (دوم تسالونیکان ۳: ۱).

* نویسندهٔ عبرانیان برای برگشتن زودتر پیش مخاطبانش درخواست دعا دارد (عبرانیان ۱۳: ۱۹).

فهرست بالا نشان می‌دهد براساس زندگی‌ها و خدمت‌مان چیزهای مختلفی هستند که می‌توانیم از مردم بخواهیم برای آنها دعا کنند. می‌دانم که برخی از افراد مخالف انجام این کار هستند. برخی با خود فکر می‌کنند که شاید در حال تحمیل باری بر دوش دیگران هستند. برخی فکر می‌کنند افرادی که این درخواست‌ها را دریافت می‌کنند آیا واقعا مشتاق هستند. برخی احساس می‌کنند با صحبت دربارهٔ نیازهایشان، خودشان را به صورتی غیر ضروری، آسیب‌پذیر می‌کنند. برخی فکر می‌کنند درخواست دعا برای نیازهایشان به عنوان خدمت‌گزار برای‌شان کسر شان است. معتقدم تعداد زیادی از مراجع که در رسالات آمده‌اند، و بیشترشان خطاب به کل کلیسا بود، جواب این مخالفت‌ها و دلایلی که منجر به تردید می‌شوند را می‌دهند. زمانی که نیاز خاصی دارم، کاری که می‌کنم است که به تعداد نسبتا زیادی از افراد نامه می‌فرستم و ایمیل می‌زنم. اغلب در این نامه‌ها به گیرندگان می‌گویم که خود را موظف به خواندن نامه‌ها، جواب دادن یا حتی دعا برای نیازهایی که گفته‌ام، نکنند. اگر برخی از افراد نامهٔ ما را بدون اینکه بخوانند دور بیندازند، نباید ناراحت شویم. با در نظر گرفتن تعداد زیاد نامه‌هایی که به دست مردم می‌رسد، آنها ممکن است مجبور شوند با الویت‌بندی به نامه‌ها جواب دهند. اما می‌دانم بعضی از آنهايي که نامه‌ها به دست‌شان می‌رسد دعا خواهند کرد،

و معتقدم که دعای آنها ابزاری کلیدی برای تاثیرگذاری خدمت من است. اما در مورد آسیب پذیر شدن با بیان نقاط ضعف و نیازهای خودمان به مردم، فکر نمی‌کنم این موضوع مشکلی باشد. گذشته از این، همه ما برای خدمت‌مان شایستگی نداریم. ما ظروف خاکی هستیم، افراد ضعیفی در این دنیا که خدا با رحمت خود، خدمتی به ما داده است (دوم قرن‌تیاں ۴: ۱-۷). بدون مسح خدا ما هیچ هستیم؛ پس از هر وسیله‌ی درستی که بتوانیم برای میانجی‌گری آن مسح در زندگی و خدمت خود استفاده خواهیم کرد.

تشلیت الاهی: بخش چهارم

هرمان باوینک

عیسی به زمین آمد تا پدر را اعلام کند و نام او را در میان انسان‌ها بشناساند (یوحنا ۱: ۱۸ و ۱۷: ۶). نام پدر به عنوان خالق همه چیزها از سوی بی‌دینان نیز به خدا اطلاق می‌شود. این معنای اصطلاحی توسط کتاب مقدس در جاهای مختلف مورد تایید است. ۸. علاوه بر این، عهد عتیق بارها از اختصاص پدر برای اطلاق به رابطه الاهی بین خدا و اسرائیل استفاده می‌کند چون خدا با توانایی بی‌نظیرش این رابطه را خلق و آن را حفظ کرد (تثنیه ۳۲: ۶ و اشعیا ۶۳: ۱۶). در عهد جدید نور پر جلال تازه‌ای بر این نام پدر برای اطلاق به خدا افکنده می‌شود. عیسی همیشه به

تفاوت اساسی بین رابطه‌ای که خودش با خدا داشت و آنچه دیگران، مثلاً یهودیان یا سایر شاگردان، با خدا داشتند اشاره می‌کند. برای مثال، وقتی به درخواست شاگردان درباره‌ی دعا تعلیم می‌دهد، می‌گوید وقتی دعا می‌کنید بگویید: «ای پدر آسمانی...» و وقتی بعد از قیام، درباره‌ی صعود قریب‌الوقوع خود به مریم مجدلیه می‌گوید: «نزد پدر خود و پدر شما، پدر شما و خدای خود و خدای شما می‌روم» (یوحنا ۲۰: ۱۷). به عبارت دیگر، خدا پدر اوست (یوحنا ۵: ۱۸). او پسر را به همان طریق و اندازه‌ای می‌شناسد که پسر متقابلاً می‌تواند پدر را بشناسد و محبت کند. ۹ مطابق آنچه آمده، در میان رسولان، خدا همیشه به عنوان پدر خداوند ما عیسی‌ای مسیح اطلاق شد (افسیسیان ۱: ۳). این رابطه بین پدر و پسر در طی زمان بسط نیافت بلکه از ازل وجود داشته است (یوحنا ۱: ۱، ۱۴: ۱۷: ۲۴). خدا به این ترتیب از ابتدا پدر است زیرا به همان معنای منحصر بفرد، او خدای همان پسر است و این ویژگی اساسی، خاص و شخصی اوست.

در معنای مشتق خدا بیشتر پدر همه‌ی مخلوقات خوانده شد زیرا او خالق و حافظ است (اول قرن‌تیان ۸: ۶ و سایر آیات). او پدر اسرائیل خوانده می‌شود زیرا اسرائیل ساخته دست او بر حسب برگزیدگی و خواندگی است (تثنیه ۳۲: ۶ و اشعیا ۶۴: ۸) و پدر کلیسا و همه‌ی ایمانداران است زیرا محبت پدر نسبت به پسر بر آنها افزوده می‌شود (یوحنا ۱۶: ۲۷ و ۱۷: ۲۴) و چون آنها از طریق روح القدس به عنوان فرزندان او پذیرفته و از او مولود شدند (یوحنا ۱: ۱۲ و رومیا ۸: ۱۵). بنابراین «پدر» همیشه «پدر»، همان شخص اول، است که از او در وجود خدا، در تدبیر خدا و همه‌ی اعمال خلقت و مشیت، نجات، و تقدیس صادر می‌شود. او به پسر بخشید تا در او حیات داشته باشد (یوحنا ۵: ۲۶)، و روح القدس را فرستاد (یوحنا ۱۵: ۲۶). برگزیدگی و لذت نیکو از آن اوست (متی ۱۱: ۲۶ و افسسیسیان ۱: ۴، ۹، ۱۱). از او خلقت، مشیت، نجات و نوزایی صادر می‌شود (مزمور ۳۳: ۶ و یوحنا ۳: ۱۶). به معنای خاص ملکوت و قدرت و جلال بر او افزوده می‌شود (متی ۶: ۱۳). او به طور خاص نام خدا را در تمایز با خداوند عیسی‌ای مسیح و

روح القدس بر خود دارد (متی ۲۷: ۴۶ و یوحنا ۲۰: ۱۷) و مسیح خود، مسیح خداوند خوانده می‌شود. ۱۰ در یک کلام، اولین شخص وجود الهی خداست زیرا که همه چیزها از اوست (اول قرن‌تیان ۸: ۶).

اگر خدا پدر است استنباط بر این می‌شود که پسر نیز هست که حیات را از او می‌گیرد و در محبت او شریک است. در عهد عتیق نام پسر خدا برای فرشتگان، ۱۱ برای مردم اسرائیل، ۱۲ و به طور خاص برای پادشاه منصوب خدا برای آن قوم ۱۳ استفاده شد. اما در عهد جدید این نام معنایی به مراتب ژرف‌تر بر خود می‌گیرد. زیرا که مسیح در معنای مخصوصی پسر خداست؛ او فراتر از انبیا و فرشتگان جلال می‌یابد (متی ۱۳: ۳۲؛ ۲۱: ۲۷؛ و ۲۲: ۲)، و او خود می‌گوید که هیچ کس جز به وسیله پسر نزد پدر نمی‌آید و هیچ کس پدر را به جز توسط پسر نمی‌تواند بشناسد (متی ۱۱: ۲۷). او در تمایز با فرشتگان و انسان‌ها پسر خود خداست (رومیان ۸: ۳۲)، پسر محبوبی که پدر از او راضی است (متی ۳: ۱۷)، یگانه پسر (یوحنا ۱: ۱۸) که پدر او را بخشید تا در خودش حیات داشته باشد (یوحنا ۵: ۲۶).

این رابطه بسیار ویژه، منحصر بفرد، بین پدر و پسر در طول زمان از طریق لقاح فوق طبیعی روح القدس و یا از طریق مسح در زمان تعمید یا قیام و صعود - که البته بسیاری بر این باورند - بسط نیافت؛ بلکه رابطه‌ای است که از ازل وجود داشته است. پسر که در مسیح ذات انسانی به خود گرفت در ابتدا به عنوان کلمه با خدا بود (یوحنا ۱: ۱). در آن زمان ماهیت خدایی داشت (فیلیپیان ۲: ۶) و غنی و ملبس به جلال (یوحنا ۱۷: ۵، ۲۴) و هم در آن زمان درخشش جلال خدا و عین صورت شخص او بود (عبرانیان ۱: ۳) و در نتیجه دقیقاً می‌توانست در زمان درست فرستاده، بخشیده و به این جهان آورده شود. ۱۴ به این دلیل نیز خلقت (یوحنا ۱: ۳ و کولسیان ۱: ۱۶) و مشیت (عبرانیان ۱: ۳) و تحقق کل نجات (اول قرن‌تیان ۱: ۳۰) به او نسبت داده شد. او مثل مخلوقات نیست که ساخته و آفریده شده‌اند، بلکه در عوض، نخست زاده همه مخلوقات که همان پسر است که

مرتبه و حقوق نخست‌زادگان را در برابر سایر مخلوقات داراست (کولسیان ۱: ۱۵). بنابراین، او نخستین برآمده از مردگان، نخست‌زاده‌ای با برادران بسیار، و به همین دلیل در میان همه و همگان اولین است (رومیان ۸: ۲۹ و کولسیان ۱: ۱۸). و با اینکه حتی در زمان مقرر، شکل غلام را به خود گرفت، با این حال در صورتِ خدا بود. او در همه چیزها شبیه خدای پدر بود (فیلیپیان ۲: ۶): در حیات (یوحنا ۵: ۲۶)، در معرفت (متی ۱۱: ۲۷)، در قوت (یوحنا ۱: ۳ و ۵: ۲۱، ۲۶)، در حرمت (یوحنا ۵: ۲۳). او خود خداست که باید بالاتر از همه تا ابد مورد ستایش قرار گیرد. ۱۵ درست همانگونه که همه چیزها از پدر است، همه نیز از طریق پسر است (اول قرنتیان ۸: ۶).

پدر و پسر هر دو در روح القدس کنار هم می‌آیند و متحد می‌شوند و به وسیله روح القدس در مخلوقات ساکن می‌شوند. آری، خدا مطابق ذاتش روح است (یوحنا ۴: ۲۴) و مقدس (اشعیا ۶: ۳)؛ ولی روح القدس مشخصاً به عنوان روح از خدا متمایز است. در مقام مقایسه، درست مثل انسان که در ذات نادیدنی‌اش یک روح است و یک روح دارد که از آن طریق به خود آگاه است و خود آگاه، به همین ترتیب خدا به ذات روح است و دارای روح، روحی که عمق‌های وجودش را جستجو می‌کند (اول قرنتیان ۲: ۱۱). به این صورت، این روح دوم روح خدا یا روح القدس خوانده می‌شود (مزمور ۵۱: ۱۲ و اشعیا ۶۳: ۱۰-۱۱). و این در تمایز با روح فرشته یا نوع بشر یا سایر مخلوقات انجام می‌گیرد. اما با اینکه او از خدا، از پدر و پسر متمایز است، در صمیمانه‌ترین رابطه با هر دو قرار می‌گیرد. او نفس قادر مطلق خوانده می‌شود (ایوب ۳۳: ۴)، نفس دهان او (مزمور ۳۳: ۶)، که پدر و پسر او را می‌فرستند (یوحنا ۱۴: ۲۶ و ۱۵: ۲۶) و از هر دوی آنها صادر می‌شود و نه فقط از پدر (یوحنا ۱۵: ۲۶) بلکه از پسر نیز زیرا که او روح مسیح یا روح پدر نیز خوانده می‌شود (رومیان ۸: ۹).

نقد کتاب

متون برگزیده از کتاب مبادی دین مسیحیت

در این مقاله، هدف بررسی و مرور کتاب «متون برگزیده از کتاب مبادی دین مسیحیت» به قلم ژان کالون است که به فارسی برگردانده شده است. متن ذیل اولین نقد کتاب در وبسایت نداگر است. امید است در آینده کتب و مقالات بیشتری از نویسندگان خارجی و ایرانی را مورد بررسی قرار دهیم.

«متون برگزیده از کتاب مبادی دین مسیحیت» نوشته ژان کالون. گزینش متون: فان هت سپیکر. مترجم: مسعود حسنزاده. سال چاپ: ۲۰۱۸.

این ترجمه بعد از ترجمه فشرده و گزینشی طاهره ووس میکائیلیان در سال ۱۹۸۰ از اصول مبانی دین مسیحی، اولین اثری است که این بار نیز به صورت گزینشی توسط دکتر فان هت سپیکر به زبان هلندی درآمده است و مسعود حسن زاده آن را به فارسی برگردانده و از سال ۲۰۱۸ میلادی از طریق تارنمای «آمازون» قابل تهیه است. گزینش متون براساس آنچه کالون در چهار کتاب یا بخش بدان پرداخته، محتوایی قابل ارائه را به دست داده و سرفصل‌های منتخب به گونه‌ای آمده که خواننده با مطالعه کتاب می‌تواند به نوع نگرش، جهان‌بینی و سازکار الهیاتی کالون پی ببرد. نویسنده در گزینش چیدمان فصول اینگونه عمل کرده است: کتاب اول به بخش مباحث اساسی شناخت خدا، مکاشفه، کتاب مقدس، تثلیث، انسان، مشیت الهی (تا ص. ۹۰)؛ کتاب دوم به مباحث گناه و اراده آزاد، شریعت و انجیل، مسیح در مقام میانجی (صص ۹۱-۱۱۷)؛ کتاب سوم به روح القدس، توبه، زندگی مسیحی، پارساشمردگی، پارساشمردگی و اعمال نیک، آزادی مسیحی، دعا، تقدیر و سرنوشت، و رستاخیز (صص. ۱۱۹-۲۱۰)؛ و کتاب چهارم به چهار مقوله اساسی کلیسا، غسل تعمید، شام خداوند و حکومت می‌پردازد (صص ۲۱۴-۲۵۰).

ما در این بخش از سه رهگذر ترجمه کتاب را در بوتۀ نقد قرار می‌دهیم: (۱) سهولت خوانشی و گرفتاری‌های متنی؛ (۲) لحن کلام و انتقال فحوای متن؛ و (۳) زیبایی بصری متن و کتاب. در انتها به جمع‌بندی نهایی و اهمیت کتاب برای شبانان و خوانندگان مسیحی می‌پردازیم.

سهولت خوانشی و گرفتاری‌های متنی: متاسفانه کتاب خادم‌دستانه ترجمه و به فارسی برگردانده شده است. «برای شروع باید گفت، کسی که توجه خود را به خداوند، که منشا زندگی، حرکت و هستی است، عطف نکند، قادر به شناخت خویشتن نخواهد بود...» (ص. ۲۶) در همین یک جمله نسبتاً کوتاه با یک گروه

فعلی-توصیفی، و چهار علامت سجاوندی «ویرگول» مواجه هستیم که اگرچه ممکن است در خوانش مفید باشد ولی در ساختار جمله فارسی تعدد استفاده از این علائم جمله را عقیم می‌کند و سرعت خوانش و سهولت آن را گرفتار دست‌اندازهایی می‌کند که بعد از مدتی خواننده خسته شده و مجبور می‌شود کتاب را کنار بگذارد. اگر دوباره نگاهی به همین جمله بیندازیم، به وصله نامناسب فعل «عطف کردن» می‌رسیم که ترکیب نامانوسی در فارسی است. احتمالاً فعل «معطوف کردن» باید جایگزین آن می‌شد که معنا را درست انتقال می‌داد. «عطف کردن» به معنای «روی برگرداندن و برگشتن از چیزی» است که در تقابل سختی در برابر معنای اصلی متن یعنی التفات و توجه قرار دارد.

از این دست جملات در متن بسیار دیده می‌شود. «ما همیشه مایل آن هستیم تا همه چیز را از آن که به نظر می‌رسد و یا در حقیقت هست، بهتر و زیباتر نشان دهیم.» (ص. ۲۷) نمونه دیگری است. در این جا با حذف کلمه «آن» پس از مایل و تبدیل عبارت «از آن که به نظر می‌رسد» به «آنچه به نظر می‌رسد» جمله درست و دقیق‌تر ترجمه می‌شود. اگر بخواهیم جانب انصاف را رعایت کنیم، اینگونه عبارات کم و بیش در جای جای متن ترجمه دیده می‌شوند و انتظار می‌رفت در ترجمه و ویرایش اثری چنین مهم دقت بیشتری رعایت می‌شد.

از جمله گرفتاری‌های متن دیگری، استفاده از ترکیبات نامانوسی است که توجهی در گزینش آنها نشده است. از آن جمله می‌توان به «پوشش خداوندی» (ص. ۲۷)، «شناخت صاف و مستقیم خدا» (ص. ۳۰)، «از سال ۳۷ تا ۴۱ ب.م.» (پانویس ص. ۳۶، در اشاره به بعد از میلاد)، «اجسام دیده‌شدنی» (ص. ۴۲)، «پاتریارک‌های واقف این تعلیم» (ص. ۴۶)، «دانستن خدا به عنوان آفریننده» (ص. ۶۹) و موارد زیادی از این قبیل اشاره کرد. این ترکیبات بی‌شک زبان حاکم و غالب متن را نامانوس کرده و خواننده را با خود همراه نمی‌کند. شاید خواننده هوشمند بداند این ترکیبات چه می‌خواهند بگویند، اما چگونه گفتن و چگونه درست گفتن خود هنری است که نیازمند تبحر و تمرین است.

لحن کلام و انتقال فحوای متن: کالون در همین کتاب ستون ایمان را بر پایه آنچه مترجم از آن استفاده کرده «پارساشمردگی» می خواند. این اصطلاح محصول پروژه سترگ ترجمه فارسی «هزاره نو» است که بعد از اینکه ترجمه عهد جدید آن در دست مخاطبان قرار گرفت، اصطلاح الاهیاتی «پارسا» جایگزین «عادل» در ترجمه قدیم و «نیکوی مطلق» در ترجمه نسخه «مژده برای عصر جدید» در آن زمان شد. البته در این مقال نمی گنجد که آیا ترجمه «پارسا»، «پارساشمردگی»، یا «نیکوی مطلق» ترجمه های مناسب یا جایگزین بهتری برای «عادل شمردگی» هستند یا نه. ولی در این بخش به دلیل اهمیت این کلمه در الاهیات اصلاحات و سردمدار آن «کالون»، انتخاب «پارسایی» برای این ترجمه کاربرد درستی ندارد. «موضوع اصلی آن بود که مسیح از خیرخواهی خدا به ما داده شد و از طریق ایمان آوردن از آن ما می گردد. یکی شدن با مسیح، فیضی دو گانه را به ما اعطا می کند. اول آنکه برائت و بی گناهی مسیح، ما را با خدا، پدری که قاضی آسمان است، آشتی می دهد و با روح او مقدس، بی گناه و پاک می گردیم.» (ص. ۱۵۵) در اینجا کالون تعریف برآمده از الاهیات خود را به شکلی بسیط و باورپذیر به خواننده ارائه می کند. به زبانی دیگر، کالون عمل «عادل شمردگی» یا «پارساشمردگی» یا «نیکو مطلق خواندن» را برائت و بی گناه شمردن ایمانداران به مسیح می خواند. (نک. صص. ۱۵۵-۱۷۷؛ تحت عنوان پارساشمردگی)

در ادامه کالون در باب معنی کلمه پارساشمردگی اینگونه می نویسد: «پارسا شمرده شدن... مورد قبول بودن فرد در مقابل مسند داوری خدا می باشد... فردی که پارسا شمرده می شود، دیگر گناهکار نبوده و فردی عادل و پارسا حساب می شود... فرد پارسا شمرده شده در مقابل مسند داوری صالح و بی گناه شمرده خواهد شد...» (ص. ۱۵۶). در این بخش به دو نکته باید دقت کرد: (۱) تعریف کالون و نگاه الاهیاتی او و (۲) چالش مترجم در حفظ امانت در ترجمه. در نگاه اول، چه به الاهیات اصلاحات باور داشته باشیم و چه کالون را محق و درست بخوانیم و از او تاسی کنیم، اینجا باید گزینه ای را برای عادل شمردگی به کار ببریم که با معنای

تفسیری کالون از عبارت مرسوم «عادل‌شمردگی» تناسب بیشتری داشته باشد. اینجاست که در بخش دوم، چالش پیش روی مترجم نمایان می‌شود. مترجم، با توجه به اینکه به وفاداری و امانت در حفظ کلمات که در بخش پیشین به آن اشاره کردیم، متن را آنچنان که کالون می‌گوید ترجمه کرده است. افسرۀ کلام کالون در این عبارت این است: «فرد پارساشمرده‌شده در مقابل مسند داوری صالح و بی‌گناه شمرده خواهد شد.» به باور کالون، عدالت فرد یعنی بی‌گناه‌شمرده شدن او در برابر مسند داوری. به عبارتی اگر می‌گوییم کسی عادل است یا پارسا یا نیکوی مطلق، یعنی او از تعبیر و تاویل کالون، در برابر مسند داوری خدا بی‌گناه شمرده شده است. این گفتمان یا چگونه گفتن بحثی است خارج از مبحث نقد ترجمه و نیازمند جستار و مقال دیگری است ولی چون اهمیت کالون و اعتبار جنبش اصلاحات و اصلاحگران و تفکیک آنان از دنیای کالوتیک تاکید بر اصل عادل‌شمردگی است، نگاه به کلیدی‌ترین فصل مرتبط به این موضوع در این کتاب خالی از فایده نیست. اما در مجموع باید اذعان کرد که مترجم تمام تلاش خود را برای انتقال این متن انجام داده ولی به دلایلی که بدانها اشاره شد، کاربرد کلمه «پارساشمردگی» برای این بخش از کتاب نه تنها مفید نیست بلکه ذهن خواننده را نیز مخدوش می‌کند. (ر.ک. ترجمه نسخه موجز پرسش و پاسخ وست‌مینستر چاپ انتشارات جهان ادبیات مسیحی، ۲۰۱۹ همچنین ن.ک. اعتقادنامه هایدلبرگ. چاپ انتشارات جهان ادبیات مسیحی، ۲۰۲۰. در این دو کتاب انتشارات جهان ادبیات مسیحی از واژه «بی‌گناه‌شمردگی» و «میراشمردگی» برای اطلاق به این اصطلاح استفاده شده است.)

زیبایی بصری متن و کتاب: کتاب را شرکت «آمازون» بر مبنای سفارش به صورت تک‌چاپ برای سفارش‌دهنده به تمام دنیا ارسال، و این زمینه را فراهم می‌کند تا دسترسی به کتاب با سهولت در اختیار علاقمندان قرار گیرد. (البته این امکان برای سفارش‌دهندگان ساکن ایران میسر نیست). فونت انتخابی و فاصله خطوط به اندازه‌ای است که خوانش کتاب را سهل‌آفرین کند ولی اشکالاتی

از جمله عدم صفحه‌آرایی حرفه‌ای، کتابی در این قامت و اعتبار را کم‌رمق کرده است. صفحات خالی همراه با شماره صفحه، صفحات ابتدای فصل که باید در سمت چپ و رو به خواننده باشند و نه در پشت صفحه، و فهرست مطالب که طراحی آن سلیقه بیشتری می‌طلبد، از جمله مواردی هستند که بهبود آنها می‌توانست کتاب را از لحاظ زیبایی‌شناسی بصری مقبول‌تر عرضه کند.

چکیده پایانی

مطالعه نوشته‌های کالون برای علاقمندان سنت پروتستان و باورمندان خوانش کتاب مقدس از طریق پنجره‌ی الاهیات اصلاحگران به نوعی هم پیشنهادی است و هم تجویزی. پیشنهادی از این رو که نحله‌ی فکری تمام کسانی که خود را ایوانجلیکال یا پیرو نگاه پروتستانیزم می‌خوانند در عمل الاهیات اساسی خود را مدیون دو شخصیت اساسی این نهضت یعنی مارتین لوتر و ژان کالون است. و تجویزی به این قرار که چگونه است خود را پروتستان بخوانیم و بعضا نام «ریفورمد» یا تابعی از الاهیات «اصلاحات» یا «اصلاحگران» را بر خود بگیریم و در عین حال حتی به مفاد و مبانی اولیه نگاه و اندیشه‌ی آن که برآمده از نوشته‌های کالون است، آشنا نباشیم. به همین دلیل ترجمه‌ی این کتاب هرچند شاید بر اساس آنچه در بخش اول بدان پرداختیم نتوانست به تمام و کمال قامت الاهیات کالون را به مخاطب بنمایاند ولی در کل آنچه از متن برآمده، نمود مناسب از آن را برای ما به ارمغان آورده است که این در جای خود قابل تحسین و قدردانی از مترجم و دست‌اندرکاران است. به هر روی، همین که کتابی از کالون به فارسی برگردانده شود، بهتر از آن است که هیچ کتابی از او در بازار کتاب نباشد. در توصیه به مترجم اثر آقای مسعود حسن‌زاده، پیشنهاد می‌کنم در آینده علاوه بر نزدیکان، از منتقدین و ویراستاران برای بهبود چنین آثاری یاری بگیرند. کالون سنگ بزرگی است که هر کسی را یارای برداشتن و زدن آن نیست. اما با تمرین و ممارست در ترجمه و ویرایش متن، می‌توان این اثر را سرپا کرد. در انتها به خوانندگان و

شبانان توصیه می‌کنم که اگر در خارج از ایران هستید، حتما این کتاب را تهیه کنید، مطالعه کنید و به غنای شناخت خود از الاهیات کالونی بیفزایید.

درسی از یوشع برای کودکان

گروه نویسندگان کانون شادی کلیسای یوحنا

عنوان: موفقیت زندگی ما از خداست (اطمینان خدا به یوشع)

هدف: در موفقیت‌های زندگی خود، مدیون حضور و کار پر محبت خدا هستیم.

محل مطالعه: یوشع ۱: ۳؛ ۴: ۱-۱۸

آمادگی:

وسایل مورد نظر: عکس و کیل، پزشک و دانشمند

گفت و شنود و سوالات:

معلم عکس‌ها را به بچه‌ها نشان می‌دهد و می‌گوید: «بچه‌ها، این‌ها جزو افراد موفق جامعه هستند و شغل‌های موفق دارند و برای رسیدن به کارشان زحمات‌های زیادی کشیده‌اند.»

شما می‌دانید چه کارهایی انجام داده‌اند که به این مرحله رسیده‌اند؟

بله درس خوانده‌اند. زحمت کشیده‌اند تا به اینجا رسیده‌اند.

به نظر شما، چه چیز دیگری باعث شده که آنها به این مرحله برسند؟

بله، بچه‌ها. خداوند هم در کنار این افراد بوده و به آنها در موفقیت‌هایشان کمک کرده است.»

داستان کتاب مقدس:

در داستان امروز نیز خداوند در زندگی شخصی حضور دارد. ببینیم او چه کسی است؟

نحوه داستان گویی:

وسایل مورد نیاز: فلانل

داستان:

بچه‌ها، وقتی تمام افراد قوم اسرائیل از رودخانه اردن گذشتند، خداوند به یوشع فرمان داد و گفت: «یوشع، حالا به آن دوازده نفر که از دوازده قبیله انتخاب شده‌اند، بگو تا بروند و دوازده سنگ از وسط رودخانه، جایی که کاهنان ایستاده‌اند»

بردارند و با خود به جایی که قرار است در آنجا زندگی کنند، ببرند و روی هم قرار دهند و به عنوان یادبود نگه دارند.

پس یوشع آن دوازده نفر را صدا زد و به آنها گفت: «بروید و از داخل رودخانه، جایی که کاهنان یا صندوق عهد ایستاده‌اند، هر کدام یک سنگ بر دوش بگیرید و بیاورید. این دوازده سنگ به نشانه دوازده قبیله اسرائیل است. ما این سنگ‌ها را باید به عنوان یاد بود در اینجا بگذاریم تا در آینده نیز وقتی فرزندان تان پرسیدند این سنگ‌ها چیست؟ به آنها بگوئید: «اینها یادگار روزی است که جریان آب رود اردن، قطع شد و در میان آن، راه خشکی به وجود آمد تا صندوق عهد خداوند از آن عبور کند و این سنگ‌ها به یاد معجزه بزرگ خداوند خواهد بود.»

بچه‌ها این دوازده نفر به دستور یوشع عمل کردند و هر کدام سنگی با خود از وسط رودخانه بیرون آوردند و در جایی که در آنجا باید زندگی می‌کردند گذاشتند و یوشع هم به عنوان یادبود در وسط رودخانه (در وسط رودخانه قرار نداد بلکه در آن سوی رودخانه، جایی که مردم و یوشع در آنجا قرار داشتند قرار داد) دوازده سنگ روی هم قرار داد که این سنگ‌ها تا به امروز هم وجود دارند. بچه‌ها می‌دانید، بیرون آوردن سنگ‌های بزرگ از وسط رودخانه کار خیلی سختی بود ولی آنها این کار را انجام دادند و کاهنان هم در وسط رودخانه ایستاده بودند و صندوق عهد خداوند را نگه داشته بودند و تا پایان کار آن دوازده نفر کاهنان ایستاده ماندند و بعد از پایان کار، یوشع به امر خداوند به آن کاهنان گفت که از رودخانه بیرون بیایند و بعد از آنکه آنها از رودخانه بیرون آمدند، رودخانه دوباره جریان پیدا کرد.

و خداوند در آن روز یوشع را در نظر تمام قوم اسرائیل سرافراز کرد و باعث شد که قوم اسرائیل هم در تمام مدت عمرشان به یوشع مانند موسی احترام بگذارند و همان طور که خدا به این قوم قول داده بود، آنها را به محلی که اریحا نام داشت، رساند.

گفت و شنود و سؤلات:

- ۱- یوشع چه کار خوبی انجام داد که به موفقیت رسید؟
- ۲- وقتی که خدا دید یوشع کارش را خوب انجام داده است، چه احساسی پیدا کرد؟
- ۳- وقتی یوشع دید که خدا به او کمک کرده تا به این موفقیت‌ها برسد، چه احساسی پیدا کرد؟
- ۴- اگر شما جای یوشع بودید و خدا به شما مسئولیتی می‌داد تا آن را انجام بدهید، چه کار می‌کردید؟

کاربرد:

با بچه‌ها قرار بگذارید که در این هفته هر جا و در هر موقعیتی که به موفقیتی رسیدند، در همان جا به یاد بیاورند که خدا با آنهاست و به آنها در این موفقیت کمک کرده است و مواردی که برای‌شان پیش می‌آید را به یاد داشته باشند و یا بنویسند و هفته بعد آنها را در کلاس بگویند.

معلم نیز می‌تواند به آنها قول بدهد که خودش هم این کار را انجام خواهد داد. مثلاً: من در این هفته امتحان سخت ریاضی را که تلاش کرده بودم خوب یاد بگیرم، با موفقیت پشت سر گذاشتم و یکی از بهترین نمرات کلاس را گرفتم و خدا را شکر کردم چون او هم به من کمک کرد تا موفق شوم.

جمله کاربردی: من قول می‌دهم که در این هفته، در موفقیت‌هایم خدا را به یاد داشته باشم و از او تشکر کنم و حتماً هفته آینده در کلیسا بگویم که چه موفقیتی داشته‌ام.

فعالیت:

کاردستی: از مقوا، دایره‌ای ببرند و دور آن را با روبان و گل‌های مصنوعی تزئین کنند و در آن این جمله را بنویسند: «خداوند در تمام موفقیت‌های من حضور دارد» یا «همه موفقیت‌های من با کمک خداوند است» و به پشت آن، آهن‌ربا بچسبانند.

مواد لازم: مقوای رنگی، گل مصنوعی، روبان، آهن‌ربا، چسب تفنگی (برای چسباندن بهتر آهن‌ربا)، ماژیک، چسب.



در قسمت پل، می‌توانند با اشاره به هدف درس بگویند در داستان امروز نیز خداوند به اشخاصی کمک کرد تا موفق شوند. بیاید ببینیم این کار چطور انجام شد.

در درس مستقیماً هیچ اشاره‌ای به این نشده که خداوند باعث موفقیت قوم شد. می‌توان جا به جا در درس اشاره کرد که خداوند به آنها کمک کرد تا آب رودخانه باز شود و مردم از آن عبور کنند و با قرار دادن سنگ‌ها در سرزمین جدید می‌خواستند به بچه‌های‌شان بگویند که خداوند آنها را در این پیروزی موفق کرد و این پیروزی و موفقیت را تنها مدیون خداوند هستند چون خودشان هرگز به تنهایی نمی‌توانستند این کار را انجام دهند.

SHABAN MAGAZINE

Pastoral Magazine for Farsi Speaking Ministers

MISSION STATEMENT

SHABAN Magazine provide essential support for churches, missionaries, and pastors who work to advance the Gospel among Farsi speakers all around the world.

VISION STATEMENT

SHABAN builds a community of Christian ministers by nurturing their spiritual needs and enabling them to become mature leaders for the Kingdom and advancement of the Gospel.

DEDICATION

To Rev. Serge Shaverdian for his lifelong ministry among Farsi and Armenian speakers.

CONTRIBUTORS

Founder: Rev. Ashton R. Stewart

Design and Layout: Ninet Shahverdian

Contributors: Herman Bavinck, Tat Stewart, Don Stewart, Josh McDowel, St. John Sunday School Team, Ajith Fernando

HOW TO FIND US

www.shabanmag.com

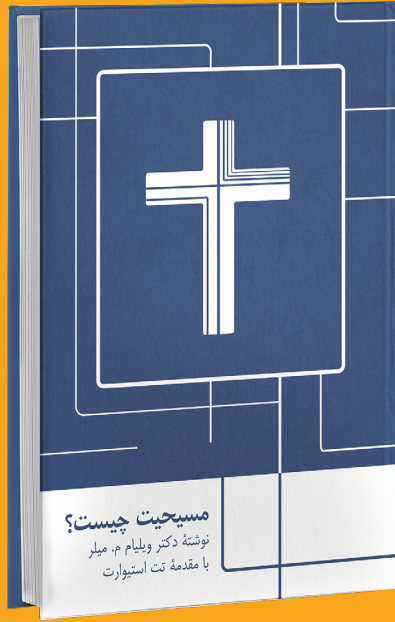
HOW TO HELP US

Make your Checks to The Jude Project

The Jude Project

P O Box 532

Ashburn, VA 20146



Order@judeproject.org



انٹرنیشنل مسیحی
کتابوں کی میلہ